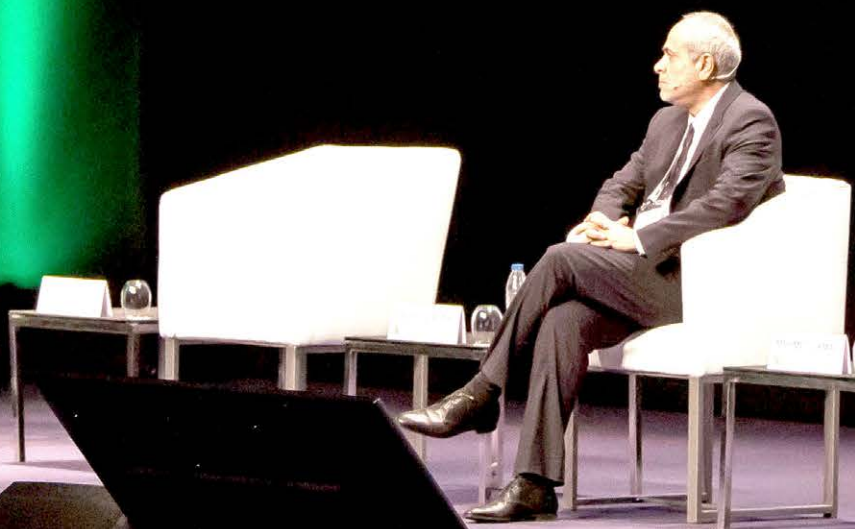


دنیای Sevilla

ماهیانه انجمن پسته ایران
سال سوم - تیرماه ۹۷ - شماره ۲۷



انجمن پسته ایران در اجلاس شورای جهانی خشکبار - خرداد ۹۷



طرح شراکتی امین پدیدار

با بیش از ۱۰ سال سابقه اجرا

راه حل مدیریت نوسانات قیمت پسته

باهداف

بالا بردن سرعت فرآوری
جلوگیری از ضرر و زیان اقتصادی باغداران و صادر کنندگان
اطمینان از فروش پسته و دریافت وجه آن
کاهش اضطراب ناشی از نوسانات بازار
افزایش امنیت نگهداری محصول



از شما دعوت می شود به ۲۵۰ باغداری پیوندید که هم اکنون در این طرح مشارکت دارند

رفسنجان، خیابان مطهری، نبش مطهری ۵۲

همراه: ۰۹۱۳ ۱۹۱۲۱۲۱

فکس: ۰۳۴ ۳۴۳۲۲۲۸۶

تلفن: ۰۳۴ ۳۴۳۲۰۵۶۰

website: www.aplgp.com

email: a.alizadeh@aplgp.com

انجمن	مجمع عمومی عادی سالیانه	۴
	اجلاس شورای جهانی خشکبار	۵
	آموزش جامع تولید تا تجارت خشکبار	۷
	سهم زنان ناچیز است	۹
	نقش تشکله‌ها در توسعه اقتصادی	۱۲
باغبانی	همچنان در تولید پسته مزیت داریم	۱۵
	اثر پتاسیم در پسته	۱۸
	آنالیز برگ پسته	۱۹
	اثر محلول پاشی سیلیکات پتاسیم در پسته	۲۰
	چند نکته در مبارزه با پسیل	۲۲
بازرگانی	چشم انداز تولید و مصرف پسته	۲۳
	تا پسته را در کیسه نکردید، ریش حساب باز نکنید	۲۶
آب	بحران آب؛ از مقصریابی تا مسئولیت محوری	۲۸
	معالجه دراز گوش	۳۰

سایت: www.iranpistachio.org پست الکترونیکی: info@iranpistachio.org انجمن پسته ایران در قبال صحت و سقم ادعاهای مطرح شده در آگهی‌ها، هیچگونه مسئولیتی ندارد. استفاده از مطالب با ذکر مأخذ مجاز است.	انجمن پسته ایران: تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۷۵۷۴۹ نمابر: ۰۳۴-۳۲۴۷۸۵۵۳ نشانی: کرمان- بلوار جمهوری اسلامی - خیابان شهید لاری نجفی (۲۰ متری نادر)- کوچه شماره ۲- پلاک ۱۲ کد پستی: ۷۶۱۹۶۴۳۱۴۹	ماهنامه دنیای پسته صاحب امتیاز: انجمن پسته ایران مدیر مسئول: حمید فیضی سردبیر: ابوالفضل زارع نظری صفحه آرا: نرگس بامری چاپ: کارمانیا لیتو گرافی: کتیبه
--	--	---



انجمن پسته ایران برگزار می کند:

مجمع عمومی عادی سالیانه

می تواند به اصالت و یا به نمایندگی از اعضای دیگر در مجمع عمومی شرکت کند و هیچ عضوی نمی تواند بیش از یک نماینده به مجمع معرفی نماید.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه

- ۱- بررسی و تصویب صورت های مالی سال ۱۳۹۶ انجمن؛
- ۲- گزارش عملکرد سال ۱۳۹۶ و بررسی و تصویب بودجه سال ۱۳۹۷ انجمن؛
- ۳- استماع سخنرانی میهمان مدعو؛
- ۴- بحث آزاد پیرامون وضعیت تولید پسته، بازار و مقررات ارزی سال جاری.

از کلیه اعضای محترم پیوسته انجمن پسته ایران دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که از ساعت ۱۶ روز پنجشنبه ۲۸ تیر ماه ۱۳۹۷ در محل سالن زنده یاد کامیابی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان واقع در بلوار جمهوری اسلامی (نرسیده به میدان آزادی) برگزار می شود، حضور بهم رسانند.

همراه داشتن معرفی نامه رسمی از سوی دیگران (در صورت نمایندگی) برای حضور در جلسه الزامی است.

لازم به یادآوری است که بر اساس ماده ۱۷ اساسنامه، هر عضو



گزارش حضور انجمن پسته ایران در اجلاس شورای جهانی خشکبار

سحر نخعی

دبیر کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران



سپس برنامه «میزگرد آجیل برزیلی» با حضور نمایندگان از آمریکا، ایتالیا، بریتانیا و بولیوی برگزار شد. طبق آمار ارائه شده در این میزگرد، انتظار می‌رود تولید خشک در پوست این آجیل با رشد ۱۴۱ درصدی نسبت به سال گذشته در سال جدید به نزدیک ۹۰ هزار تن برسد.

در ادامه میزگرد مربوط به میوه‌های خشک از قبیل برگه آلو، انجیر خشک، آلو خشک و خرما با حضور نمایندگان حاضر در پنل، فعالین صنعت خشکبار از کشورهای آمریکا، ترکیه، تونس، شیلی و قزاقستان برگزار شد. همچنین در سمینار تحقیقاتی تغذیه با سخنرانی دکتر رامون استراچ و پروفسور جوردی سالوادو، مزایای مصرف مغزجات و آجیل ارائه شد و جدیدترین مطالعات علمی منتشر شده در این خصوص به اطلاع شرکت‌کنندگان رسید.

روز اول اجلاس با برگزاری میزگرد «پکان» (گردوی آمریکایی) پایان یافت. ریاست جلسه بر عهده آقای جفری سانفیلیپو از آمریکا بود و ۵ عضو پنل از کشورهای آمریکا، آفریقای جنوبی، استرالیا و هنگ کنگ بودند. محور گفتگو در میزگرد پکان به بحث‌هایی از قبیل تخمین تولید محصول جدید، وضعیت مصرف داخل و صادرات آمریکا و بررسی فرصتها، چالش‌ها و روندهای فعلی اختصاص پیدا کرد. آمریکا با تخمین ۱۵۲ هزار تن بیشترین سهم از تولید این محصول و کشور مکزیک با ۱۲۵ هزار تن در رتبه دوم تولید قرار دارند و سهم آفریقای

گردو، میوه‌های خشک و سمینارهای علمی و تخصصی و سخنرانی‌های اشخاص کلیدی صنعت بود. نمایندگان هر صنعت نیز اطلاعات به‌روز خود را در خصوص پیش‌بینی محصول سال ۲۰۱۸ ارائه دادند. در ادامه گزارش آنچه در این ۳ روز گذشت، ارائه شده‌است.

روز اول

برنامه افتتاحیه اجلاس در روز اول با خوش‌آمدگویی مجری و اجرای زنده موسیقی سنتی اسپانیایی آغاز شد. سپس آقای آنتونیو پونت، یکی از بنیانگذاران INC، طبق سنت همیشگی رسماً آغاز اجلاس را اعلام کرد. اهدای جوایز برگزیدگان «بهترین تحقیق» و «بهترین هنر آشپزی» از دیگر برنامه‌های این اجلاس بود. در این راستا جایزه بهترین تحقیق نصیب گروه تحقیقاتی پردیمد (PREDIMED) با تحقیق روی «اثرات گنجاندن ۳۰ گرم مغزجات آجیلی در غذای روزانه به عنوان عامل کاهش ریسک ابتلا به بیماریهای قلبی عروقی» و جایزه «بهترین هنر آشپزی» به سرآشپز ژوان باسک از رستوران باسک اسپانیا تعلق گرفت. اولین میزگرد این اجلاس، میز بادام بود که با ریاست آقای ژوان فورتونی از شرکت بورخس اسپانیا آغاز شد. اعضای حاضر در این پنل، از نمایندگان کشورهای آمریکا، استرالیا، اسپانیا و هند بودند. در این میزگرد پیش‌بینی شد در سال ۲۰۱۸ تولید مغز بادام آمریکا حدود ۱ میلیون تن، استرالیا ۷۸ هزار تن و اسپانیا ۶۰ هزار تن باشد.

اجلاس شورای جهانی مغزجات و خشکبار (INC)، نشست بین‌المللی معتبری است که با سابقه‌ای بیش از ۳ دهه توانسته جای خود را در مجامع جهانی به عنوان فرصتی برای تسهیل مراودات تجاری شرکت‌های بین‌المللی، کشف فرصت‌های جدید تجاری، تبادل اطلاعات آماری و آگاهی از مسائل و تحولات روز صنعت باز کند. این اجلاس با ارائه میزگردهای تخصصی و همچنین برگزاری سمینارها و سخنرانی‌های علمی، ویتترین متنوعی از به‌روزترین روندهای عرضه و تقاضای محصولات و خدمات صنعت مغزجات و خشکبار است. شرکت‌کنندگان در اجلاس برای هماهنگی و تسهیل قرار ملاقات با شرکای تجاری خود می‌توانند قبل از تاریخ اجلاس از طریق سامانه جستجو در وبسایت INC با شرکت‌های مختلف ارتباط برقرار کنند. سی و هفتمین اجلاس این شورا در شهر زیبا و تاریخی سویل در جنوب اسپانیا، از تاریخ ۳۱ اردیبهشت تا ۲ خرداد ماه سال جاری در سالن همایش‌های فیپس این شهر برگزار شد. در اجلاس امسال ۱۵۰۰ نفر شرکت‌کننده از ۶۰ کشور که عمدتاً تجار و فعالین صنعت مغزجات و خشکبار هستند، حضور داشتند. به تبع ۶ سال گذشته، امسال نیز انجمن پسته ایران در این اجلاس شرکت کرد، ولی حضور انجمن کمی متفاوت‌تر از سال‌های قبل بود؛ چرا که به دعوت INC، نماینده انجمن پسته به عنوان نماینده ایران در میزگرد پسته حضور داشت. میزگرد پسته با ریاست آقای مایکل هومان از «شرکت پسته و بادام واندرفول» و اعضای پنل آقایان بهروز آگاه از ایران، محمت چیکماز از ترکیه و خانم ژیانوژنگ ویکتوریا از هنگ‌کنگ برگزار شد. لازم به ذکر است بهرام آگاه، زهرا مرتضوی و سحر نخعی اعضای هیأت اعزامی انجمن در این اجلاس بودند.

برنامه‌های اجلاس شامل میزگردهای مربوط به انواع آجیل و مغزجات از جمله پسته، بادام، بادام زمینی، بادام هندی،

جنوبی از تولید پکان ۱۹ هزار تن در سال پیش رو خواهد بود.

در نهایت مهمانی خوشآمدگویی در عصر روز اول با میزبانی شرکت بادام لویپس (LLopis) در هتل زیبای آلفونسو حسن ختام برنامه‌های اولین روز این اجلاس بود.

روز دوم

روز دوم اجلاس شورای جهانی خشکبار با «میزگرد پسته» آغاز شد. میزگرد پسته با ریاست آقای مایکل هومان از «شرکت بادام و پسته واندرفول» و اعضای پنل آقایان بهروز آگاه از ایران، محمت چیکماز از ترکیه و خانم ژیاوژنگ ویکتوریا از هنگ کنگ برگزار شد. دستور جلسه میز پسته شامل بررسی وضعیت عرضه و تقاضای محصول سال جاری، تخمین تولید محصول در سال جدید ۲۰۱۸ (۹۸-۹۷) و در نهایت پرسش و پاسخ از اعضای پنل بود. مجری پنل در آغاز جلسه ضمن اشاره به افزایش سطح آگاهی مصرف‌کنندگان از مزایای پسته به افزایش روزافزون تقاضا برای این محصول و تمایل مصرف بیشتر پسته به عنوان آجیل در همه بازارها اشاره کرد و آینده بازار پسته را روشن و مثبت تر از همیشه دانست. تخمین تولید پسته امسال توسط اعضای پنل ارائه شد. آمریکا با تخمین ۴۳۰ هزار تن بیشترین سهم از تولید این محصول را دارد. تولید ایران در سال کم محصول امسال حدود ۶۰ هزار تن پیش بینی شد و سهم ترکیه از تولید پسته ۲۳۰ هزار تن اعلام شد.

در برنامه دومین روز، یک سمینار علمی گنجانده شده بود که با ریاست آقای پینو کالگانی، نایب رئیس INC و سخنرانی خانم دکتر الیسون بلکول برگزار شد. از فعالیتهای اصلی کمیته علمی INC، رصد موضوعات حساس علمی-فنی و بررسی تأثیرات آنها بر تجارت صنعت خشکبار و مغزجات میباشد.

آقای کالگانی یکی از وظایف اصلی این کمیته را تلاش برای به روز بودن در زمینه همه مسائل مهم صنعت از آلودگی های غذایی تا موضوع مهم باقیمانده سموم دانست. وی همچنین حضار را از آخرین مسائل و اخبار تجاری بین کشورها مطلع ساخت. موضوع سخنرانی دکتر بلکول نیز «کنترل آلودگی سالمونلا در انگور» بود.

شرکت‌کنندگان اجلاس در ادامه شاهد برگزاری میزگرد گردو بودند که با حضور نمایندگان از آمریکا، شیلی، چین و ترکیه برگزار شد. میزگرد گردو با ریاست آقای گری فورد از شرکت بادام و گردوی دایموند فودز (Diamond Foods) آغاز شد. چین با تخمین ۳۳۰ هزار تن بیشترین سهم از تولید مغز گردو را در سال ۲۰۱۸ دارد. آمریکا با ۲۷۳ هزار تن در رتبه دوم تولید قرار دارد و سهم کشور شیلی از تولید گردو ۷۰ هزار تن خواهد بود.

آخرین برنامه روز دوم با برگزاری میزگرد بادام هندی پایان یافت. ریاست جلسه بر عهده آقای امیت خیربات از شرکت بین‌المللی اولام بود و ۴ عضو از کشورهای آمریکا، هلند، هند و ویتنام در پنل حاضر بودند. محور مباحث میزگرد بادام هندی به تخمین تولید محصول جدید، تحلیل روندهای عرضه و تقاضا برای مغز بادام هندی، روندهای قیمت و بررسی فرصتها و چالشها اختصاص داشت. هند، ساحل عاج، ویتنام و تانزانیا بیشترین سهم از تولید این محصول را دارند. پیشبینی میشود کل بادام هندی که در سال ۲۰۱۸ تولید میشود به حدود ۴ میلیون تن برسد.

مهمانی شب دوم اجلاس با میزبانی شرکت بادام و پسته واندرفول در هتل زیبای هاسیندا برگزار شد.

روز سوم

سخنرانی آقای مارک ماریانی، ریاست شورای جهانی خشکبار برنامه آغازین روز سوم اجلاس بود. وی ضمن تقدیر از اعضای هیأت امنای INC به معرفی و بیان فعالیتهای آنها پرداخت. ماریانی هدف اصلی هیأت امنای را تعیین مسیر استراتژیک برای آینده این شورا دانست. در ادامه جلسه خانم گورتی گواش، دبیرکل اجرایی شورای جهانی خشکبار، گزارش سالانه INC را به سمع و نظر حضار رساند. ارائه وی شامل گزارش مالی ۲۰۱۷ و بودجه سال ۲۰۱۸ و گزارش فعالیت‌های INC بود.

میزگرد فندق برنامه بعدی اجلاس بود. کشور ترکیه با تخمین ۶۴۰ هزار تن فندق خشک در پوست به عنوان بزرگترین تولیدکننده فندق در صدر جدول قرار داشت. ایتالیا با پیش‌بینی ۱۱۵ هزار تن مقام دوم و گرجستان با تخمین ۸۰ هزار

تن رتبه سوم را در تولید این محصول داشتند.

در ادامه، «میزگرد ماکادامیا» با دستور جلسه اعلام تخمین تولید سال جدید، بررسی وضعیت عرضه و تقاضای محصول سال جاری، مکانیزم های بازار محصول خشک در پوست و مغز ماکادامیا و در نهایت پرسش و پاسخ از اعضای پنل برگزار شد. آفریقای جنوبی با تولید ۵۴ هزار تن بزرگترین تولیدکننده ماکادامیا محسوب می‌شود و بعد از آن استرالیا است که پیش بینی می‌شود ۴۵ هزار تن محصول داشته باشد.

در ادامه برنامه «میزگرد کشمش و مویز» برگزار شد و با برگزاری «میزگرد بادام زمینی و مغز درخت کاج» روز سوم اجلاس پایان یافت. ریاست این جلسه بر عهده خانم چنینگ از اتاق بازرگانی چین بود و ۳ نماینده از کشورهای روسیه، اسپانیا و هلند در پنل حاضر بودند. محور مباحث میز مغز درخت کاج، چشم انداز تولید محصول سال جدید، تحلیل روند ۱۰ ساله صادرات این محصول از چین، روندهای قیمت و تحلیل میزان واردات مغز درخت کاج به چین بود. محور مباحث میز بادام زمینی نیز به چشم انداز تولید محصول سال جدید، تحلیل روند واردات بادام زمینی به چین و بررسی چشم انداز عرضه و تقاضای چین اختصاص داشت.

با برگزاری ضیافت شام آخرین روز اجلاس که با میزبانی «انجمن گردوی شیلی» در کاخ زیبای پلازا اسپانیا برگزار شد پرونده اجلاس سی و هفتم INC بسته شد.

لازم به ذکر است شرکت در اجلاس INC فرصتی فراهم آورد تا نماینده انجمن بتواند با برخی از فعالین صنعت پسته گفتگویی ترتیب دهد. در این راستا با آقای استبان لاگادا مسئول خرید پسته از شرکت Importaco اسپانیا حول محور شناسایی بازار پسته اسپانیا صحبت شد؛ همچنین آقای راجیو پابرجا مدیر عامل شرکت CTC (واردکننده پسته در بازار هند) سابقه مصرف پسته، ساختار بازار پسته، کانال‌های فروش و توزیع پسته در هند و جایگاه پسته در بخش خرده‌فروشی بازار هند را توضیح داد. شرح کامل این گفتگوها در شماره آتی نشریه دنیای پسته به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.

در اولین دوره آموزشی تخصصی شورای جهانی مغزجات و خشکبار ارائه شد:

آموزش جامع تولید تا تجارت خشکبار

سحر نخعی

دبیر کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران



امسال پیش از برگزاری اجلاس شورای جهانی خشکبار (INC)، اولین دوره آموزشی تخصصی مغزجات و خشکبار برگزار شد که در آن پکیج کاملی از «تولید تا تجارت مغزجات و خشکبار» ارائه گردید. هدف از برگزاری این دوره آشنایی فعالین علاقمند با مسائل کلیدی صنعت مغزجات و خشکبار بود؛ از موضوعات بنیادی از قبیل شرایط اقلیم و آب و خاک گرفته تا کاشت، داشت، برداشت، امنیت غذایی و تجارت در این دوره گنجانده شده بود. این دوره آموزشی در دو مرحله دروس آنلاین (۱۲ بهمن ۱۳۹۶ تا ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷) و آموزش حضوری (۲۷ تا ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۷) برگزار شد. در مجموع ۴۰ نفر از کشورهای مختلف در دوره آموزشی امسال شرکت کردند. پیش نیاز دوره حضوری، گذراندن مرحله آنلاین بود. در پایان شرکت کنندگان موفق به اخذ گواهینامه پایان دوره شدند. سحر نخعی به نمایندگی از انجمن پسته در این دوره آموزشی شرکت کرد. از اعضای انجمن پسته ایران آقایان علیرضا دارچینیان (شرکت ویرامان) و علیرضا وثوقی جزو شرکت کنندگان این دوره بودند. در ادامه جزئیاتی از آنچه در این دوره آموزشی گذشت ارائه شده است.

آموزش آنلاین

آموزش آنلاین این دوره از ۱۰ واحد درسی تشکیل شده بود که هر درس شامل محتوا، منابع و ویدیوهای آموزشی متنوع بود. در پایان هر درس شرکت کنندگان موظف به پاسخ دادن به سوالات آزمون نهایی بودند و تنها در صورت کسب نمره قبولی مجاز به رفتن به مرحله بعد می شدند.

محتوای مربوط به معرفی پیشینه مغزجات و خشکبار و فیزیولوژی آنها توسط پروفسور آکسوی از ترکیه گردآوری شده بود. شرکت کنندگان در این مبحث با خصوصیات کلی مغزجات و خشکبار، انواع گونه ها، بیولوژی ساختاری و آناتومی گل و میوه آشنا شدند. درس اول راهکارهای مفید

اثر بخشی و مزایای بالقوه مصرف مغزجات بر سلامتی و بررسی ارزش غذایی هر یک بود. همچنین، بررسی تأثیر مصرف مغزجات برای حفاظت در برابر بیماری های مزمن جزو فصول آموزشی این درس بود. ■ موضوعات ضبط و فرآوری بعد از برداشت (پوست گیری، خشک کردن، پاک کردن و جداسازی) در ۱۶ زیر بخش، پنجمین مبحث ارائه شده در این دوره آموزشی بود که توسط آقای وینسنت ریگمن از آلمان آماده شده بود.

■ موضوع مهم امنیت غذایی و استانداردهای کیفی، ششمین مبحث آموزشی بود که بر جنبه های ضروری امنیت غذایی و مسائل کیفی مغزجات و خشکبار جهت کاهش یا جلوگیری از ایجاد خطرات بالقوه در سرتاسر زنجیره غذایی تمرکز داشت.

■ هفتمین مبحث به موضوعات تولید، تجارت و مصرف مغزجات و خشکبار اختصاص داشت که به معرفی مغزجات و همچنین کشورهای

جهت مدیریت موفق و پایدار باغ ها را نیز ارائه داد.

■ دومین مبحث به شرایط اقلیمی، خاک و نیاز آبی مغزجات و خشکبار اختصاص داشت که شرکت کنندگان با تأثیر شرایط اقلیمی بر محصولات مختلف، عوامل تعیین کننده رشد گیاه، نیاز دمایی و آبی محصولات مختلف و معرفی بهترین نوع خاک برای رشد بهینه هر محصول آشنا می شدند. محتوای این درس توسط تیم INC ارائه شد.

■ سومین مبحث آموزشی که توسط پروفسور آکسوی تهیه شده بود، به معرفی وارته های اصلی و نحوه توزیع جغرافیایی گونه های مغزجات و خشکبار در کشورهای تولید کننده مربوط می شد.

■ چهارمین مبحث آموزشی به فاکتورهای تغذیه اختصاص داشت که توسط پروفسور جوردی سالوادو از اسپانیا تهیه شده بود. محور اصلی این درس تمرکز بر میزان

کردیم. در ترمینال ضبط بادام این شرکت ابتدا بادام‌ها پوست‌گیری اولیه می‌شدند و در مرحله دوم شستشو انجام می‌شد. در مرحله سوم آب با درجه حرارت بالا اضافه می‌شد تا پوست سوم از مغز جدا شود. خط چهارم شامل جداسازی بادام‌های شکسته شده و در نهایت انتقال مغزهای سالم بادام به بسته‌بندی‌های ۱۰۰ کیلوگرمی می‌شد.

روز سوم

در روز آخر در دو نوبت صبح و عصر آموزش اصول و استراتژی‌های مدیریت توسط پروفیسور میگل مدیالوا و معرفی اصول و مقدمات مذاکرات تجاری توسط پروفیسور کاندراپ مهتا ارائه شد. پروفیسور مدیالوا بعد از معرفی اصول مدیریت و استراتژی‌های اجرایی از شرکت‌کنندگان خواست به بحث و تحلیل دو مطالعه موردی بپردازند: ۱- بحران شرکت خودروسازی پورشه در سال ۱۹۹۲ و ۲- پروژه فنی‌کس شرکت جرقیل‌سازی پسکو اسپانیا. پروفیسور کاندراپ در ابتدای جلسه به معرفی اصول مذاکرات تجاری پرداخت. در بخش بعدی شرکت‌کنندگان را به گروه‌های دو نفره شامل خریدار و فروشنده تقسیم کرد و با معرفی یک شرکت فرضی که در مرز ورکشکستگی بود از شرکت‌کنندگان خواست بنابر اصول آموزش داده‌شده و بهترین تاکتیک‌های موجود به مذاکره برای خرید و فروش بپردازند. بخش آخر جلسه چالش برانگیزتر بود؛ شرکت‌کنندگان به گروه‌های چهار نفره تقسیم شدند که می‌بایست طبق دستورالعمل مشخص پروفیسور کاندراپ تصمیم به مذاکرات مشارکتی (برد-برد) یا رقابتی (برد-باخت) بگیرند و با ریسک‌های هر تصمیم مواجه شوند.

سرانجام، اولین دوره آموزشی INC عصر روز شنبه، ۲۹ اردیبهشت ماه در مراسمی با سخنرانی آقای مارک ماریانی، ریاست شورای جهانی خشکبار و تقدیر از شرکت‌کنندگان و اهدای گواهینامه پایان دوره توسط تعدادی از اعضای هیأت مدیره INC پایان یافت.

خوش‌آمدگویی با پخش ویدیویی به معرفی فعالیت‌های این شرکت پرداخت، سپس به گروه اجازه بازدید از مراحل مختلف تولید شیرینی داده‌شد. شیرینی‌های سنتی مانتکادو با طعم‌های مختلف و بعضاً با مغز بادام به مصرف‌کنندگان ارائه می‌شوند. بعد از اتمام بازدید، گروه سفر خود را به مقصد شهر گرانادا ادامه داد.

روز دوم

روز دوم با حرکت به سمت شهر گودیکس در ۵۰ کیلومتری شرق گرانادا آغاز شد. این روز به بازدید از شرکت تجاری بورخس (Borges Agricultural & Industrial) یکی از باسابقه‌ترین شرکت‌های فعال در زمینه تولید، فرآوری و تجارت مغزجات در اسپانیا اختصاص داشت. این شرکت دارای ۷ ترمینال ضبط و فرآوری و بسته‌بندی در شهرهای مختلف (۶ ترمینال در اسپانیا و ۱ ترمینال در کالیفرنیا) با حداکثر ظرفیت ۳۰ هزار تن در سال می‌باشد. طبق برنامه‌ریزی مسئولین اجرایی شورای جهانی خشکبار از یکی از املاک این شرکت که شامل باغات پسته، بادام و گردو می‌شد، بازدید به عمل آمد که ۳۰ هکتار از سطح زیرکشت به پسته، ۹۳ هکتار به گردو و ۷ هکتار به کاشت بادام اختصاص داشت. باغ‌ها به سیستم آبیاری قطره‌ای مجهز بودند و طبق قانون منطقه، میزان آب مجاز مصرفی برای هر هکتار درخت پسته یک چهارم میزان مجاز آن در کالیفرنیا بود. ۱۴ درصد از سطح زیرکشت منطقه را درختان بالای ۳۰ سال که به باروری اقتصادی رسیده بودند، تشکیل می‌داد و ۳۶ درصد درختان بین ۱۰ تا ۳۰ سال سن داشتند و ۵۰ درصد از منطقه شامل باغریزی‌های جدید می‌شد. میانگین برداشت پسته در این منطقه ۲ تن در هکتار و پیش‌بینی مجموع میزان محصول پسته سال جدید در این منطقه بین ۱۸۰۰ تا ۲۲۰۰ تن اعلام شد.

در ادامه برای بازدید از شرکت ضبط و فرآوری بادام آلمندراس (Almendras de Almería) به سمت شهر آلمریا در ۱۰۰ کیلومتری جنوب شرقی گودیکس حرکت



که بیشترین تولید، صادرات و واردات هر کدام از این محصولات را دارند می‌پرداخت. بررسی روندهای مصرف، شناخت الگوهای رفتاری خریدار و جذب فرصت‌های بازار مبحث دیگر این دوره آموزشی بود که توسط خانم مایلا ساتوس از استرالیا ارائه شده بود.

موضوع دآوری توسط خانم کلودیا توسان از «اتحادیه وارن فرآین» تهیه شده بود. لازم به ذکر است وارن فرآین هامبورگ، اتحادیه‌ای ملی در کشور آلمان است که جهت تسهیل تجارت داخلی و بین‌المللی در زمینه مغزجات و محصولات غذایی ارگانیک فعالیت می‌کند. هدف از ارائه این مبحث آشنایی شرکت‌کنندگان از قوانین دآوری و دادرسی، قوانین دادگاه‌ها و مسائل مرتبط با عقد قراردادهای تجاری بود. تمام جنبه‌های قانونی که امکان دارد در طول روابط تجاری برای تاجر پیش‌آید در این مبحث بررسی شده بود. آگاهی از اقدامات قانونی که باید با دقت زیاد طی مراحل مختلف تجاری انجام داد از اهداف این محتوای آموزشی بود.

معرفی اصول مذاکرات تجاری و استراتژی‌ها و مهارت‌های ضروری برای انجام مذاکرات موفق آخرین مبحث این دوره آموزشی بود که توسط پروفیسور کاندراپ مهتا، استاد دانشگاه بیزنس بارسلونا آماده شده بود.

آموزش حضوری

برنامه آموزش حضوری طی ۳ روز فشرده از ۲۷ تا ۲۹ اردیبهشت ۹۷ برای بازدید از باغ‌ها، واحدهای فرآوری، کارخانجات صنایع تبدیلی مغزجات و در نهایت گذراندن محتوای آموزشی مربوط به اصول و استراتژی‌های مدیریت و راهکارهای مذاکرات تجاری برنامه‌ریزی شده بود.

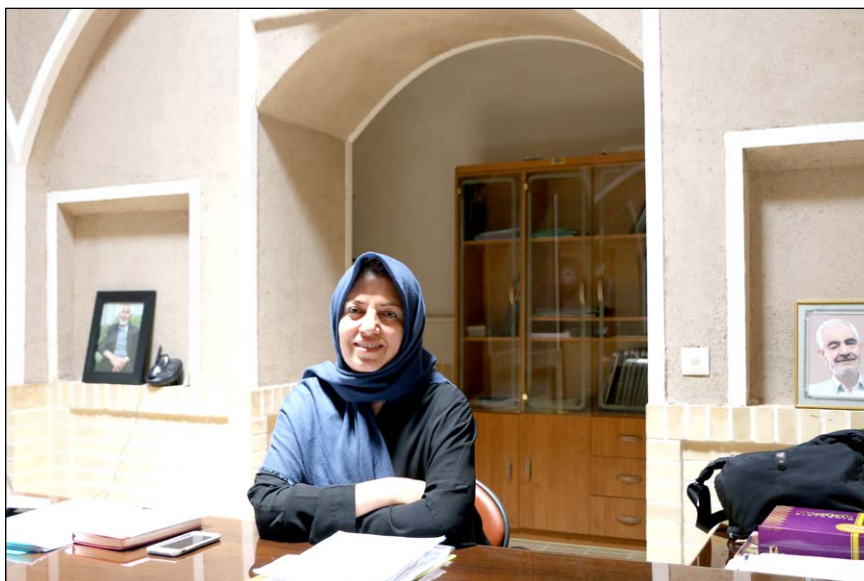
روز اول

در این روز برنامه آموزش حضوری با حرکت به سمت شهر استیا برای بازدید از کارخانه تولید شیرینی لافورتالزا آغاز شد. این کارخانه از دیرباز به تولید انواع شیرینی‌های سنتی اسپانیا (مانتکادو به معنی ترد و شکننده) مشغول است. آقای خوزه آنتونیو مدیر بازرگانی بعد از



فاطمه نظری در خصوص نقش زنان در صنعت پسته ایران اذعان کرد:

سهم زنان ناچیز است



و زردی درختان کاملاً برطرف شد. از آن زمان هر بار وارد این باغ‌ها می‌شوم انرژی مثبت می‌گیرم. حتی زمانی که تصمیم می‌گیریم در بعضی مناطق تغییر پیوند را به علت عدم باردهی مناسب انجام دهیم که البته تصمیم آسانی هم نیست، در نهایت دیدن نتایج موفق، احساس رضایت و اعتماد به نفس، انگیزه فراوانی برای ادامه کار به من می‌دهد.

آیا در مسیر فعالیت‌های مدیریت باغ درسی آموخته‌اید؟

بسیار زیاد. درس اولی که هر کشاورز در باغ می‌آموزد صبر است و بعد از آن امید به آینده. در اداره امور مجموعه‌ای که با آن کار می‌کنم هم تجربه بسیاری به دست آوردم. مدیریت یک فرایند دائمی یادگیری است. از شما به عنوان یک مدیر انتظار می‌رود که قدرتان زحمات افراد زیر مجموعه‌تان باشید و این را در رفتارتان هم نشان دهید، چون ما با یک مجموعه انسانی سر و کار داریم که احساسات و عواطف آنها اهمیت بسیار دارد. لازم است بتوانید با حوصله به همه مشکلات و مسائل افراد زیر مجموعه‌تان گوش دهید و محیط مناسب را برای همکاری و هماهنگی بین آنها به وجود آورید.

شما به دو نکته مدیریتی اشاره کردید؛ اهمیت کار کردن با عواطف یک مجموعه انسانی و اهمیت گوش دادن به مسائل و مشکلات این

دلم می‌خواست ادامه دهنده راه ایشان باشم، فعالیت‌شان را ادامه دهم و راهشان را حفظ کنم و نگذارم خراب شود. وقتی شروع کردم دانشی در مورد باغداری پسته نداشتم، اما در این مسیر تنها نبودم. کسانی که از قبل برای پدرم کار می‌کردند کنارم بودند، یادگرفتم و آنها هم من را پشتیبانی کردند. احترام گذاشتند و برای حضور در باغ‌های مناطق مختلف همراهی کردند.

چه چیزی به شما انگیزه داد که این فعالیت را ادامه دهید.

پشتیبانی و اعتماد خانواده و علاقه‌ام به کار، عامل اصلی بود و همچنین کسانی که قبلاً در کنار پدرم کار می‌کردند همراهی کردند و به من انگیزه دادند. ضمن این که با حضور در باغ وقتی می‌بینید که فعالیت‌ها و کارهایتان در باغ به ثمر نشسته و نتیجه داده از درختانتان انرژی می‌گیرید. یادم هست در اوایل کارم در منطقه زرنند تمامی باغاتی که رقم فندق داشتند، دچار زردی فراگیری بودند؛ به طوری که بعد از چندسال که آزمایشات مختلف و همین‌طور عملیات مختلفی با راهنمایی آقای دکتر محمودی از مرکز تحقیقات پسته و آقای مهندس بزاز که با ما همکاری می‌کردند، روی درختان انجام دادیم، نتایج در وهله اول اصلاً امیدوار کننده نبود؛ ولی خوشبختانه با استمرار در اجرای نسخه‌های مختلفی که داشتیم سرانجام به نتیجه رسیدیم

فاطمه نظری عضو هیأت مدیره انجمن پسته ایران یکی از بانوان فعال در صنعت پسته است. وی ۱۷ سال است که در زمینه مدیریت باغ در سطح استان کرمان فعالیت می‌کند. بنا به توصیه پدر بعد از فوت ایشان، باغ‌های خانواده نظری تقسیم نشد و خانم نظری در سال ۸۰ به همراه برادر کوچک‌تر مدیریت آنها را در دست گرفت. وی از معدود بانوانی است که هم در حوزه اقتصادی به فعالیت باغداری می‌پردازد و هم در حوزه اجتماعی در انجمن پسته ایران حضور فعال دارد. بر آن شدیم تا دیدگاه‌های ایشان را درباره فعالیت‌های انجمن و به خصوص حضور بانوان در این عرصه جویا شویم.

خانم نظری! رابطه شما با انجمن پسته از چه سالی شروع شده است؟

برادر من، آقای علی نظری از موسسین انجمن پسته ایران بود. من هم در اولین جلسه مجمع عمومی انتخاب هیأت امنای شرکت کردم. به دعوت آقایان حسین عامری و مهدی آگاه کاندید هیأت امنای انجمن شدم و از همان موقع به انجمن پسته ایران پیوستم. در آن زمان صنعت پسته متولی نداشت و جایی نبود که کشاورز بتواند صدایش را به گوش دولتی‌ها برساند تا آنها به تنهایی و در پشت درهای بسته برای صنعت پسته تصمیم نگیرند. در عین حال فضایی هم نبود که در آن باغداران و تاجران به هم اندیشی بپردازند. در نتیجه ضرورت انجمن پسته ایران به شدت احساس می‌شد.

حوزه فعالیت شما چیست؟

در مجموعه خانوادگی، مدیریت باغ را به عهده دارم که شامل هماهنگی، هدایت و برنامه‌ریزی و مهم‌تر از همه تصمیم‌گیری در حوزه باغداری پسته است.

به چه دلیل خودتان وارد حوزه مدیریت باغ شدید؟ ورود به این فعالیت دشوار نبود؟

من به خاطر علاقه‌ای که به پدرم داشتم،

بدون آنکه نیاز باشد که کسی شما را انتخاب کند یا در رقابت برای انتخاب شدن قرار داشته باشید. بسیاری از زنان از مدیریت مردان خانواده بر باغشان احساس رضایت ندارند، اما این جسارت را نمی‌کنند که مدیریت را در دست بگیرند. هنوز برای خود محدودیتهایی قائل هستند، اما اگر این علاقه وجود داشته باشد باید این قالب‌های ذهنی را شکست. به نظر من در حال حاضر موقعیت تا حد زیادی فراهم است. باید زنان برای به دست آوردن جایگاه واقعی‌شان در جامعه تلاش بیشتری کنند تا بتوانند جامعه را به حضورشان در بعضی عرصه‌ها که شاید مردانه تلقی می‌شود، متقاعد کنند. می‌گویند باغ رد پای صاحبش را می‌خواهد. مطمئن باشید درختان با حضور صاحب باغ، سبزتر خواهند بود. حضور صاحب باغ به افرادی که در آنجا کار می‌کنند و زحمت می‌کشند انگیزه مضاعف می‌دهد و نتایج بهتری حاصل می‌شود که از حضور بالاترین کارشناسان هم موثرتر خواهد بود.

خانم نظری! شما علاوه بر عرصه مدیریت باغ، عضو هیأت مدیره انجمن پسته هم هستید. این فعالیت را برای چه دنبال کرده‌اید؟

من به فعالیتهای اجتماعی علاقه‌مند بودم. در جایگاه یک کشاورز، وضعیت جامعه نیز برایم مهم بود. در عین حال که حضور در انجمن پسته ایران فقط به نفع صنعت پسته نیست، چرا که منفعت تک تک افراد در کنار منفعت همگانی حاصل می‌شود. البته برای ورود به کارهای اجتماعی و درگیر شدن و وقت گذاشتن برای آن باید علاقه‌مند بود. حضور در این عرصه موجب غنای زندگی کاری افراد خواهد شد؛ حتی اهمیت آن در برابر کارهایی که افراد برای کسب درآمد انجام می‌دهند، به مراتب بالاتر است.

فکر می‌کنید انجمن باید به تقویت حضور زنان در صنعت بپردازد؟

اگر بتواند خیلی خوب است، ولی فکر نمی‌کنم در اولیتهای انجمن چنین برنامه‌ای باشد، ولی هر کار آموزشی یا تبلیغاتی بشود خیلی خوب است. خانم‌ها در حال حاضر نشان دادند که خوب می‌توانند بسیاری از فعالیت‌ها را اداره کنند. متأسفانه هنوز این فرهنگ در جامعه ما وجود دارد که با حضور مردان خانواده (همسر، پدر یا برادر) لزومی برای ورود زنان به فعالیت اقتصادی یا اجتماعی

مخالفتی رسمی برای حضور زنان در کشاورزی و صنعت پسته وجود دارد؟

نه این قوانین هیچ کجا نوشته نشده‌است. همه این قوانین نانوشته هستند. کار کشاورزی هم برای زنان آسان نیست؛ چرا که تجربه و دانش کمی در این حوزه دارند. از این رو برنامه‌های انجمن می‌تواند برایشان جذابیت داشته‌باشد. شاید لازم باشد انجمن تلاش بیشتری در این جهت انجام دهد که مطمئناً استقبال می‌شود، ولی متأسفانه در حال حاضر تعداد بانوان بسیار کم است. شاید دعوت بیشتری برای حضور زنان لازم باشد و امکان آن هم فراهم است.

فکر می‌کنید تقویت حضور زنان در عرصه باغداری می‌تواند برای صنعت مفید باشد؟

حتماً همین طور است. در حال حاضر در بسیاری از نقاط استان، زنان کارشناس وارد باغ‌ها شده‌اند. کارشناسان گیاه پزشکی، تغذیه، آب و خاک و... به طور مستقل دفاتر خود را دارند و مشاوره می‌دهند. کارشان نیز بسیار دقیق، کارشناسانه، با تعهد و انگیزه‌بخش است.

مدیریت یک فرایند دائمی یادگیری است. از شما به عنوان یک مدیر انتظار می‌رود که قدردان زحمات افراد زیر مجموعه‌تان باشید و این را در رفتارتان هم نشان دهید، چون ما با یک مجموعه انسانی سر و کار داریم که احساسات و عواطف آنها اهمیت بسیار دارد.

اما این حضور در سطح کارشناسی است، در سطح مدیریتی این وضعیت کمتر اتفاق افتاده‌است.

واقعیت این است که ما زنان خیلی از باورهای قالبی و موانع را خودمان تحمیل می‌کنیم. درحالی‌که جامعه تا حدی به این پذیرش رسیده‌است. زنان هم مانند مردان باغ‌های ارثیه خانوادگی دارند که می‌توانند آنها را اداره کنند. اتفاقاً مالکیت خصوصی تنها جایی است که شما می‌توانید خودتان بر آن مدیریت کنید،

مجموعه. فکر می‌کنید این نگاه مدیریتی از نگاه زنانه شما منشأ گرفته‌است و آیا اساساً نگاه مدیریتی زنانه و مردانه متفاوت است؟

من فکر می‌کنم در نهایت، اندکی با هم متفاوت هستند. گاهی نگاه زنانه یک نگاه حمایتی مادرانه در خود دارد که برای مردان به این شکل نیست. از نظر من هر آدمی و مسائلش اهمیت دارد و این مسائل به مجموعه وارد می‌شود. گوش دادن و گاهی یافتن راه حل برای این مسائل می‌تواند به افزایش کیفیت کار نیروی انسانی کمک کند. این انتظار هم از مدیریت وجود دارد که این مسائل را بشنود. **با توجه به انتظاری که می‌گویید از مدیریت وجود دارد، هیچ وقت با این چالش مدیریتی روبه‌رو بوده‌اید که به عنوان یک خانم برای اعمال نظر خود مجبور به فشار مضاعف شده باشید تا مورد پذیرش قرار بگیرید؟**

نه، هیچ وقت به این شکل نبوده‌است. ضمن این که از نظر شخصیتی آدم منعطفی هستم و به نظرات کارشناسانه در همه سطوح اهمیت می‌دهم، حتی برایم اظهار نظر کارگر ساده‌ای که در باغ کار می‌کند هم مهم است و نظراتش را در مورد چگونگی انجام بهتر کارها جویا می‌شوم، این مجموعه به احترام پدرم همیشه از من پشتیبانی کرده‌اند. در عین حال از اینکه بسیاری از کارها بر اساس نظرات علمی و کارشناسی پیش برود و اینکه می‌بینم امروزه بسیاری از کارشناسان باغ در حال حاضر خانم هستند و حضور موثری دارند، بسیار خوشحال می‌شوم.

ارزیابی شما در مورد سهم زنان در صنعت پسته چیست؟

زنان سهم بسیار کوچک و کم رنگی دارند. تعداد زنانی که در این عرصه فعال هستند، خیلی محدود است. حتی خانم‌هایی که در این صنعت فعالیت جدی دارند در مجامع عمومی ظاهر نمی‌شوند و کمتر دیده می‌شوند.

فکر می‌کنید چگونه می‌توان حضور آنها را پررنگ‌تر کرد؟

من هر وقت خودم از دوستانم دعوت کردم، اعتماد کردند و آمدند. خیلی هم از برنامه‌های انجمن استقبال کردند و علاقه‌مند شدند. فرصت‌های شغلی برای زنان و مردان یکسان نیست و زنان مشکلات بیشتری برای حضور در فعالیت‌های اقتصادی دارند.

گروه است؟ هیأت مدیره یا هیأت امنا؟

به هر دو گروه بر می‌گردد، ولی نقش هیأت مدیره بیشتر است. چون قدرت اجرایی انجمن در هیأت مدیره است. هیأت امنا باید خواسته‌هایش را بهتر منتقل کند تا رضایت بیشتری حاصل شود. در عین حال خوب است که اعضای انجمن نیز روحیه مطالبه‌گری بیشتری داشته باشند که مطمئناً در عملکرد بهتر انجمن تأثیرگذار خواهد بود.

قدرت اجرایی انجمن در

هیأت مدیره است. هیأت امنا

باید خواسته‌هایش را بهتر منتقل کند تا رضایت بیشتری حاصل شود.

فکر می‌کنید این ضرورت وجود دارد که انجمن به صدای واحدی در مسئله آب برسد؟

اگر نظر واحدی نباشد اصلاً کاری پیش نمی‌رود. همه وقت‌مان تلف می‌شود. باید در کلیات موضوع توافق وجود داشته باشد. بدون آن امکان ادامه دادن نیست.

این که مسئله آب پیگیری نشده ناشی از این است که ما به هیچ توافقی نرسیده‌ایم؟

کسانی که دغدغه موضوع آب را داشتند بارها با انجمن جلساتی برگزار کردند و پیگیری‌های بسیاری انجام شد، ولی نگاهی در انجمن وجود دارد که ظاهراً حل مسئله آب به سادگی میسر نیست و حل آن از توان انجمن خارج است.

نظر شما در مورد نقش انجمن در جایگاه رابط بین دولت و مردم چیست؟

یکی از مسئولیت‌های خطیر و حساس انجمن همین نقش رابط بین مردم و دولت است. لابی‌گری در همه جای دنیا نقش اساسی در حل مسائل دارند. یعنی می‌نشینند و با مذاکره کردن حقوق و امتیازات لازم را به دست می‌آورند. در عین این که در حقیقت انجمن‌ها بسیاری از وظایف دولت را پیگیری می‌کنند. حضور افراد با قدرت لابی‌گری در انجمن‌ها در جهت منافع اعضا باعث می‌شود، انجمن مهم تلقی شود. هیچ قدرتی به سادگی کسی را شریک نمی‌کند. باید برای گرفتن حقوق و منابع تلاش کرد.

در برهه‌های مختلف نقش خود را به خوبی ایفا کند؛ چرا که مشکلات بزرگی بر سر راه صنعت پسته قرار دارد و این انتظار از انجمن می‌رود که در مسائل و مشکلات کلان صنعت پسته همچون بحران آب وارد شود. واقعیت این است که ما می‌خواهیم سفره‌ی آب زیرزمینی را همراه با تولید پسته حفظ کنیم. هنوز انجمن برنامه مدون و جدی در این راستا ندارد.

طی سه دوره گذشته هیأت مدیره انجمن، روسای انجمن هیچ کدام از اعضای باغدار نبوده‌اند، به نظر شما این موضوع روی نگاه و فعالیت‌های انجمن اثر داشته‌است؟

من موافق نیستم. بسیاری از تجار ما، باغدار هم هستند. همیشه یک رابطه تنگاتنگی بین تاجر و باغدار وجود داشته و دارد. هرکاری که بخواهید انجام دهید اگر بازار را نبینید، آن کار موفق نخواهد بود. نمی‌توان انتظار داشت منافع فقط به باغدار برسد. می‌دانیم حاشیه سود در تجارت پسته بسیار کم است، درحالی‌که در هیچ تجارت دیگری این وضعیت دیده نمی‌شود. تاجر مانند باغداران کمیته‌ای دارند که در آن فعالیت می‌کنند و می‌توانند نقش پررنگی ایفا کنند. ربطی به کلیت انجمن ندارد. در هیأت مدیره انجمن نمایندگان باغداران هم حضور دارند. در همان جا می‌توانند حضور موثرتری داشته باشند و فعالیت‌های انجمن را در جهت باغداری سوق دهند.

ممکن است از بیرون این طور دیده شود که انجمن در فعالیت‌های مرتبط با صادرات بیشتر کار کرده‌است. برای مثال اعضای انجمن پول می‌گذارند و عضو اتحادیه خشکبار اروپا (فروکام) می‌شوند. شما فکر می‌کنید این تصور صحیح است؟

فعالیت‌های جمعی این چنینی به این مسئله مربوط است که راهکارهای مشخص‌تر و روشن‌تری در حوزه فعالیت‌های صادراتی وجود دارد. بخش بازرگانی هم تأثیر مستقیم روی تجارت پسته دارد. در نتیجه آن کشاورز هم سود می‌برد. اگر محصولی فروخته نشود، همه ضرر می‌کنند. یکی از امتیازات عضویت در انجمن، فعالیت مستمر در فضای نمایشگاه‌های بین‌المللی است که با هزینه خود تاجران هم انجام می‌شود و باغداران هم از آن منتفع می‌شوند.

فکر می‌کنید موفقیت یک انجمن وابسته به فعالیت جدی کدام

واقعیت این است که ما زنان خیلی از باورهای قالبی و موانع را خودمان تحمیل می‌کنیم. درحالی‌که جامعه تا حدی به این پذیرش رسیده‌است. زنان هم مانند مردان باغ‌های ارثیه خانوادگی دارند که می‌توانند آنها را اداره کنند.

دیده نمی‌شود. در عین حال خانم‌ها نیازمند این هستند که انتظاراتشان را از خودشان بالاتر برده و با اعتماد به نفس بیشتری روی پای خودشان بایستند و فعالیت‌های اقتصادی را اداره کنند. برای فرزندان ما و آینده کشور وجود چنین اعتماد به نفسی در زنان ضروری است. البته نسل ما دخترانش را متفاوت و با اعتماد به نفس بیشتری تربیت کرده‌است و من توانمندی‌های زیادی در نسل امروز می‌بینم.

شما به عنوان عضو باغدار هیأت مدیره انجمن فکر می‌کنید انجمن در حوزه تولید چه کاری انجام داده‌است؟

انجمن برنامه‌های خوبی اجرا کرده‌است؛ از جمله دوره‌های جامع آموزشی مختلف برای کاشت، داشت و برداشت پسته و همه فعالیت‌هایی که در جهت افزایش آگاهی و دانش باغدار انجام می‌دهد، چه با تورهای آموزشی داخل و خارج کشور و یا انتشار ماهنامه دنیای پسته و... همه در راستای تولید بهتر بوده‌است. هیچ وقت نباید انتظار داشت انجمن وظایف مرکز تحقیقات پسته یا جهاد کشاورزی و سایر ارگان‌های دولتی را انجام دهد. انجمن‌ها علاوه بر نقش اصلی که برعهده دارند، نقش واسطه بین اعضایشان و مسئولین دولتی و سایر ارگان‌ها را نیز به عهده دارند. انجمن پسته این قابلیت را دارد

هیچ وقت نباید انتظار داشت انجمن وظایف مرکز تحقیقات پسته یا جهاد کشاورزی و سایر ارگان‌های دولتی را انجام دهد.

محمود سریع‌القلم، پژوهشگر حوزه توسعه بررسی کرد:

نقش تشکله‌ها در توسعه اقتصادی

وب سایت انجمن پسته ایران
iranpistachio.org

شدیم که کشورمان را مدرن کنیم، اما وقتی که وضع ایران و ژاپن را مطالعه می‌کنیم، انتخاب و گزینش ما از متون توسعه و مدرنیته بسیار با یکدیگر متفاوت است. ما ایرانی‌ها وقتی رفتیم سراغ مدرنیته اول به سراغ آزادی سیاسی رفتیم. ژاپنی‌ها اول به سراغ «سیستم و تشکل» رفتند. با ۱۸ کشور غربی آمریکای شمالی و اروپایی مذاکره کردند و سیستم‌های مختلفشان را به ژاپن آوردند. آنها همچنین ۲۵۰۰ مشاور گرفتند، از اداره پست گرفته تا نیروی دریایی، از نحوه مدیریت مسائل کشاورزی گرفته تا آموزش دوره ابتدایی، از بانکداری تا حوزه صنعت، سیستم‌ها را به کشور خودشان منتقل کردند و از ۱۶۰ سال قبل آنها را بومی کردند. ما ایرانی‌ها به سراغ طبقه پنجم رفتیم و از ابتدا در پی طبقه پنجم بودیم یعنی خواستیم آزادی سیاسی را بسازیم، ژاپنی‌ها به سراغ تولید و تشکل و سیستم‌سازی رفتند و امروز جایگاه آنها هم با ما بسیار متفاوت و روشن است.

حکمرانی یک موضوع تخصصی است

آیا شما مساله اول زندگی‌تان برایتان روشن است؟ آنجایی که ثقل وجود دارد. همه چندین موضوع را دنبال می‌کنیم. حوزه اجتماعی و مدنی، حوزه دانش، حوزه کار، حوزه خانواده، تخصص و نقطه ثقل ما کجاست؟ مانند پنج دایره متداخل علامت المپیک. ما کجا آن ثقل را طراحی می‌کنیم؟ ما در فهم توسعه و در اولویت‌بندی‌های توسعه به عنوان یک جامعه در ۱۶۰ سال گذشته دقیق نبوده‌ایم و اولویت خودمان را موضوعی انتخاب کرده‌ایم که در مباحث توسعه، نتیجه توسعه تلقی می‌شود. ما ایرانی‌ها در هنر، معماری، مهندسی، پزشکی، ادبیات و فلسفه بسیار جایگاه ویژه‌ای در میان ملل جهان داریم. اما در یک موضوع فوق العاده ضعیف هستیم و کار نکرده‌ایم و هنوز هم در کشور ما در این رابطه مشکل وجود دارد و آن اینکه ما هنوز نپذیرفته‌ایم به عنوان یک کشور یک حاکمیت، مردم، جامعه و فرهنگ که حکمرانی یک موضوع تخصصی است. اگر من و شما



نظام‌های اقتصادی‌اش است. سپس در سایر طبقات بنگاه‌ها و تشکله‌ها و شبکه‌سازی‌ها را ایجاد می‌کنیم. اتفاقاً در متون توسعه آنچه که بشر تجربه کرده است، آزادی سیاسی در طبقه پنجم است، نه فونداسیون. کشوری که تولید نکند و در بازارهای بین‌المللی نتواند سهم اقتصادی برای خودش بگیرد، نمی‌تواند دنبال آزادی سیاسی هم برود. تفاوت بین ما و ژاپنی‌ها از ۱۶۰ سال پیش تا به امروز مربوط به نحوه ورود ما به جهان غرب در دوره مدرنیته بوده است. یعنی از حدود ۱۶۰ سال قبل علاقه‌مند

اگر توسعه را مانند یک
ساختمان پنج طبقه تصور کنیم،
فونداسیون این ساختمان نظام‌های
اقتصادی‌اش است. سپس در
سایر طبقات بنگاه‌ها و تشکله‌ها و
شبکه‌سازی‌ها را ایجاد می‌کنیم. اتفاقاً
در متون توسعه آنچه که بشر تجربه
کرده است، آزادی سیاسی در طبقه
پنجم است، نه فونداسیون.

همایش «هم‌اندیشی و بررسی نقش تشکله‌ها در توسعه اقتصادی استان کرمان» چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۹۷ به میزبانی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان برگزار شد. در این همایش «محمود سریع‌القلم» استاد دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر حوزه توسعه، جمعی از مدیران استانی و فعالان تشکله‌های بخش خصوصی شرکت کردند. سریع‌القلم در این نشست مهمترین مانع سیاسی در توسعه اقتصادی را عدم گردش قدرت در ایران ذکر کرد و برای کاهش آثار بحران‌های کنونی راه‌حل‌های سربسته‌ای را ارائه داد. در ادامه فرازی از سخنرانی وی در باب موانع فکری و سیاسی توسعه آورده شده است. برای اطلاع از متن کامل سخنرانی و مشاهده فایل ارائه شده در همایش به سایت انجمن مراجعه فرمایید.

ساختمان توسعه

من اعتقاد دارم که بنیان توسعه در تولید یا نظام تولید یک کشور است. یعنی ما اگر توسعه را مانند یک ساختمان پنج طبقه تصور کنیم، فونداسیون این ساختمان

حکمرانی یک موضوع تخصصی است، دانش می‌خواهد، تجربه می‌خواهد و فهم جهانی می‌طلبد. در این رابطه ما کار دقیق و علمی نکرده‌ایم. حکمرانی همچنان به یک موضوع سلیقه‌ای و فردی در کشور ما محسوب می‌شود.

زانوی مان درد بگیرد برای درمان آن به دیدن یک نجار نمی‌رویم بلکه به دیدن یک متخصص پزشکی می‌رویم. اما در حوزه حکمرانی ما آن را تبدیل به یک کاروانسرا کرده‌ایم و هر کسی حق ورود و خروج به این کاروانسرا را دارد. در حالی که حکمرانی یک موضوع تخصصی است، دانش می‌خواهد، تجربه می‌خواهد و فهم جهانی می‌طلبد. در این رابطه ما کار دقیق و علمی نکرده‌ایم. حکمرانی همچنان به یک موضوع سلیقه‌ای و فردی در کشور ما محسوب می‌شود.

چرا تشکلهای ایران موفق نبوده‌اند؟

به نظر می‌آید که این می‌تواند دو دلیل بنیادی داشته باشد. اول اینکه ما در طی یک قرن گذشته در ایران حاکمیت‌هایی داشته‌ایم که به وجود تشکل در جامعه اعتقادی نداشته‌اند. آنها توجه نداشته‌اند که جامعه مبنایی برای حکمرانی نیست. دوم اینکه، فرهنگ تشکل در جامعه ما ضعیف بوده است. یعنی خود جامعه هم آن مقدمات فرهنگی و مدنی لازم را برای ایجاد تشکل نداشته است. واژه‌ای که در دنیا برای تشکل شاید بیشتر استفاده می‌شود واژه شبکه‌سازی است. بیشتر شبکه درست می‌کنند و اگر بنگاه‌ها و دولت‌ها در دنیا توانسته‌اند موفقیتی کسب کنند به خاطر ایجاد آن شبکه‌ها و آن تشکلهای مدنی و اجتماعی است. اولین مساله این است که اگر در یک کشوری ما بخواهیم به طرف سالم‌سازی اقتصادی، سیاسی، مدنی و اجتماعی حرکت کنیم یک اتفاق خیلی مهمی باید به لحاظ حقوقی بیفتد و آن اینکه قدرت سیاسی باید از قدرت اقتصادی جدا شود. این اتفاق هنوز در کشور ما

نیفتاده است. به عنوان مثال کشوری هست به نام سنگاپور. در حد و اندازه شهر تهران و پنج میلیون نفر هم جمعیت دارد. ۳٫۵ میلیون نفر جمعیت خودش است و ۱٫۵ میلیون نفر هم خارجی‌هایی آنجا زندگی می‌کنند. سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۶ در کشور سنگاپور معادل ۵۰ میلیارد دلار بوده است. سرمایه‌گذاری سال گذشته در ایران ۸۷۰ میلیون دلار بوده است. دلیلش این است که آنها سیستم ساخته‌اند و سیستم ساختن هم یکسری اصول دارد و ما نمی‌توانیم بگوییم که ما یک کشور خاصی هستیم و ما اصول خودمان را داریم. پیشرفت اقتصادی اصول ثابتی دارد. اگر در یک کشور حوزه سیاست و اقتصاد یکی باشد آن کشور نمی‌تواند پیشرفت کند. اگر ما دیدیم که در یک کشوری حاکمیت خودش مالک اقتصادی هم هست بنابراین نباید در انتظار توسعه بنشینیم. وقتی که

اگر در یک کشوری ما بخواهیم به طرف سالم‌سازی اقتصادی، سیاسی، مدنی و اجتماعی حرکت کنیم یک اتفاق خیلی مهمی باید به لحاظ حقوقی بیفتد و آن اینکه قدرت سیاسی باید از قدرت اقتصادی جدا شود.

اراده سیاسی در یک کشور باشد و نظام حقوقی آن را تشویق و ترغیب کند که قدرت اقتصادی از قدرت سیاسی جدا شود در آن صورت است که ما می‌توانیم مقدمات توسعه را به تدریج قابل تجربه کنیم.

اما در همین رابطه بحث دیگری هم وجود دارد. اگر ما تشکل نداریم و تشکلهایمان ضعیف هستند و مشکل دارند یک بخش آن به حاکمیت و دولت ارتباط دارد که این باور وجود ندارد که جامعه باید غنی شود. بخش دوم مربوط به این موضوع است که هیچ حاکمیتی در دنیا نمی‌آید به مردمش بگوید که من از فردا صبح می‌خواهم با شما شریک شوم؛ ای مردم من از فردا صبح می‌خواهم ۲۵ درصد از

قدرتم را بدهم به شما و ان شاءالله هفته آینده می‌شود ۳۰ درصد. در اروپا، مردم یعنی چه؟ یعنی دو گروه، یکی بخش خصوصی و تولیدکنندگان و دوم جامعه مدنی. مردم با تشکل‌شان توانسته‌اند از حاکمیت امتیاز بگیرند؛ این تجربه اروپا است. در اروپا پادشاهان می‌خواستند حکمرانی کنند، مالیات هم می‌گرفتند. مردم آمدند چانه زنی کردند تا مالیات‌ها را کم کنند تا اقتدار حاکمیت را محدود کنند. در ناخودآگاه ما ایرانیان نیز این هست که ما منتظریم که دولت و حاکمیت یک کاری انجام دهد. مثلاً در یک جمعی که می‌خواهند شام بخورند می‌گویند ان شاءالله مسئولان یک کاری می‌کنند. خب این همین طور ادامه خواهد داشت و اتفاقی هم نخواهد افتاد. وقتی که یک جامعه رشد کند بعد حاکمیت مجبور می‌شود که به طرف جامعه بیايد و تصمیم‌گیری‌هایش را عوض کند.

حدس و گمان در برابر یقین و آمار
یکی از مسائل دیگری که در رابطه با توسعه است که ممکن است ظاهری فوق العاده انتزاعی داشته باشد ولی به نظر من بسیار کلیدی است این است که حوزه تفکر باید حوزه فکت (Fact)، مستند یا حقیقی باشد. فکت یعنی اینکه آمار و ارقام و عبارات باید فوق‌العاده دقیق باشند. با حدس و گمان و فکر می‌کنم و شاید و احتمالات تصور می‌کنم، می‌گویند، با این کلمات نمی‌شود مدیریت کرد. یکی از ویژگی‌های خوب بخش خصوصی و افرادی که بنگاهداری کرده‌اند این است که وقتی

با حدس و گمان و فکر می‌کنم و شاید و احتمالاً تصور می‌کنم، می‌گویند، با این کلمات نمی‌شود مدیریت کرد. یکی از ویژگی‌های خوب بخش خصوصی و افرادی که بنگاهداری کرده‌اند این است که وقتی می‌خواهند تصمیمی بگیرند با آمار و ارقام تصمیم می‌گیرند. آمار برای آنها مقدس است.

مهمترین مانع سیاسی؛ عدم گردش قدرت در ایران است. یعنی ما حدود سه چهار هزار نفر داریم که ثابت هستند. بنابراین وجود افراد ثابت فراوان در کشور مانع توسعه است.

این همان ساختار توسعه هست که بسیار جدی است. مهمترین مانع فکری توسعه اقتصادی؛ فقدان یک قرارداد اجتماعی است. ما به قرارداد اجتماعی نرسیده‌ایم. ما هر ۸ سال یکبار تعریف‌مان را از همه چیز عوض می‌کنیم؛ از سیاست خارجی، از عدالت، از آزادی، از جریان‌های اجتماعی، از توسعه، از بخش خصوصی. کشور نمی‌تواند هر ۸ سال یک بار مسیرش را عوض کند. اگر شما تاریخ توسعه اروپا را مطالعه کنید، این‌ها بعد از قرن‌ها زحمت کشیدن، کار کردن، نظریه‌پردازی کردن، جدال کردن و درگیر شدن بین جریان‌های مختلف آمده‌اند چه گفته‌اند؟ گفته‌اند هر کسی اگر چیزی می‌داند یا بلد هست ۸ سال یعنی دو دوره بیاورد خودش را نشان دهد و برود. اگر کسی توانایی یا خلاقیتی دارد باید آن را در یک دوره‌ای به همه نشان دهد و بعد برود تا گروه بعدی بیاورد.

ارتباطات جهانی

توسعه یافتگی نیاز به ارتباطات جهانی دارد. اگر من نقش خود را فقط در ایران تعریف کنم و بگویم من در ایران و دانشگاه شهید بهشتی هستم در یک فضای محدودی خواهم بود؛ اما اگر من شبکه‌سازی کنم، دو تا همکار از ژاپن داشته باشم، دو تا همکار در کانادا، دو تا همکار در مصر، دو تا همکار در هند و اگر با یک شبکه جهانی کار کنم آن وقت رشد می‌کنم. من هر وقت به یک کنفرانس بین‌المللی رفتم آن موقع ضعف‌های خودم را متوجه خواهم شد، یا اگر یک بنگاه‌دار ایرانی فقط خودش را فقط در ایران تعریف کند ممکن است خیلی هم از خودش راضی باشد، بگوید من بسیار آدم موفقی هستم، اما اگر همین بنگاه‌دار برود با یک بنگاه‌دار آلمانی یا اتریشی یا چینی یا سنگاپوری کار کند بعد ضعف‌های خودش را می‌فهمد.

می‌کند. حاکمیت نمی‌آید یک بخشی از جامعه را انتخاب کند و بگوید من با این بخش کار می‌کنم. اگر تاریخ ایران را مطالعه کنید، می‌بینید هر حکومتی در ایران به قدرت رسیده است آمده فقط یک بخشی از جامعه را انتخاب کرده است و گفته است ما با این بخش راحتم و من به این بخش اعتماد می‌کنم، بقیه خودشان می‌دانند. سال ۱۳۵۳ هم شاه به مردم ایران گفت همه چیز در حزب رستاخیز متمرکز است و هر کسی علاقه‌مند باشد عضو می‌شود و در این کشور کار می‌کند، آن کسی که علاقه مند نیست بیاورد پاسپورتش را بگیرد و از ایران برود. خب حاکمیت که نباید کاری کند که مردم آن کشور از آن کشور بروند! بلکه باید آنها را جذب کند و سیاست‌هایی را طراحی کند که با همه جامعه کار کند. بنابراین این اسکلت حکمرانی ایجاد می‌کند که در یک کشور حاکمیت نگاهی به تمام اقشار و جریان‌های اجتماعی داشته باشد.

مبارزه با فساد

نکته مهمی که وجود دارد و ژاپنی‌ها آن را اجرا کردند و شاید مبنای توسعه سیاسی در یک کشور است، رسانه‌های نقاد و مستقل است. من بارها در متون و صحبت‌های خودم گفته‌ام در کشور ما لزومی ندارد در رابطه با فساد مالی همایش گذاشته شود. ما در سال چندین همایش داریم؛ همایش بین‌المللی مبارزه با فساد در ایران، همایش اول، دوم و سوم، همه جمع می‌شوند چند تا وزیر صحبت می‌کنند و چند کارشناس دانشگاهی صحبت می‌کنند به همه یک کیف می‌دهند و بعد از آن همه می‌روند؛ این هیچ اتفاقی را به ارمغان نخواهد آورد. بنابراین ما باید کاری را که دنیا کرده‌است را در پیش بگیریم. به رسانه‌ها گفته‌اند که شما در نقد مسائل مالی آزاد هستید. بنابراین یکی از بهترین روش‌های مبارزه با فساد مالی در دنیا آزادی رسانه‌هاست.

مهمترین مانع سیاسی و فکری برای عدم توسعه اقتصادی در ایران چیست؟

مهمترین مانع سیاسی؛ عدم گردش قدرت در ایران است. یعنی ما حدود سه چهار هزار نفر داریم که ثابت هستند. بنابراین وجود افراد ثابت فراوان در کشور مانع توسعه است. این همان اسکلت توسعه است،

می‌خواهند تصمیمی بگیرند با آمار و ارقام تصمیم می‌گیرند. آمار برای آنها مقدس است.

ما می‌گوییم آمریکا مساوی است با رئیس جمهور آمریکا در حالی که این طوری نیست. نقش رئیس جمهور آمریکا در مسائل اقتصادی و سیاسی آن کشور بسیار محدود است. به خانم مرکل در داووس گفتند که این آقای رئیس جمهور آمریکا آمده و جملات جدیدی می‌گوید، حرف‌های متفاوتی می‌زند، شما به عنوان آلمان و شریک آمریکا از این مساله متأثرید؟ خانم مرکل جوابی بر اساس فکت داد. گفت: کشور آلمان سالی یک میلیون اتومبیل در آمریکا به فروش می‌رساند و ما حدود ۴۰۰ میلیارد یورو گردش مالی با آمریکا داریم. ما ۴،۵ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی داریم که یک بخشی از آن با بنگاه‌ها، با شرکت‌ها با مراکز تحقیقاتی با صنعت آی تی آمریکاست. ما با شخص کاری نداریم به همین دلیل ما خیلی اهمیت نمی‌دهیم چه کسی در کاخ سفید نشسته است. بلکه ما با نظام اقتصادی، مدنی، اجتماعی، صنعتی و علمی آمریکا کار داریم.

جایگاه حاکمیت

حاکمیت در یک کشور نه تنها نباید مالک اقتصادی باشد بلکه باید میانجی باشد میان گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی. نمونه بسیار

هر حکومتی در ایران به قدرت رسیده است فقط یک بخشی از جامعه را انتخاب کرده است و گفته است ما با این بخش راحتم و من به این بخش اعتماد می‌کنم، بقیه خودشان می‌دانند.

موفق و بارز در دنیا کشور آلمان هست. حاکمیت در آلمان با سه بخش مختلف کار می‌کند. بخش خصوصی، سندیکاها، کارگری و یک واژه مقدسی به نام مردم. یعنی وقتی می‌خواهد تصمیم بگیرد نگاه می‌کند به مصالح مردم، سندیکاها، کارگری و بخش خصوصی. همه اینها را در نظر می‌گیرد. یعنی از بالا به همه نگاه

علی نظری، عضو هیأت امنای انجمن پسته ایران:

همچنان در تولید پسته مزیت داریم



به عنوان یکی از محصولات مهم در تولید ناخالص داخلی و صادرات غیر نفتی کشور، زیرساخت‌های مناسب علمی و تحقیقاتی فراهم می‌کردیم؛ حتی غیر از این چیزهای بسیار ابتدایی که در تولید پسته ایران موثر است، باید به برخی مسائل زیرساختی مهم‌تر هم توجه می‌شد. فرض کنید که برای هر رشته باغبانی، وظیفه دولت این است که باغات مادری و سازگاری را احداث کرده و از آن مراقبت کند. در واقع، وظیفه دولت این است که به صورت مرتب، مراقب تغییرات اقلیمی باشد و مرتبط با این تغییرات، اتفاقات صنعت را هم هدایت کند تا از این عواقب فاصله بگیرد و تولید دچار این مشکلات نشود. ما در ایران، این زیرساخت‌ها را نداریم و ساده‌ترین کارها را هم انجام نداده‌ایم. به عبارت دیگر، ابتدایی‌ترین چیزی که در این صنعت مورد نیاز است، ایجاد باغات مادری و سازگاری است که حداقل در مورد پسته احداث نشده‌اند. در نتیجه کشاورزان ما کاملاً به لحاظ اقلیم و آب که تهدید کننده صنعت پسته است، بی‌پشتوانه هستند و دستشان بالا است. همین امر سبب می‌شود که صنعت پسته در ایران یک صنعت ناپایدار به شمار آید و تولید این محصول از ۳۰۰ هزار تن تا ۵۰ هزار تن در نوسان باشد. علت این عدم ناپایداری وحشتناک نیز، نبود همین زیر

ابتدایی‌ترین چیزی که در یک صنعت مورد نیاز است، ایجاد باغات مادری و سازگاری است که حداقل در مورد پسته احداث نشده‌اند. در نتیجه کشاورزان ما کاملاً به لحاظ اقلیم و آب که تهدید کننده صنعت پسته است، بی‌پشتوانه هستند و دستشان بالا است.

همواره اتفاقاتی که در زمینه تولید یک محصول به خصوص در صنعت کشاورزی رخ می‌دهد، یک ریشه قدیمی دارد و یک روزه اتفاق نیفتاده است. یعنی این طور نیست که تغییرات اقلیم به یکباره ما را به این نقطه رسانده باشد؛ اگر چه این تغییرات و نوسانات اقلیمی هم مهم به شمار می‌روند، ولی آنقدر جدید نیستند که یکباره کشاورزی و تولید ایران را در بخش‌های مختلف علی‌الخصوص پسته که موضوع بحث این مصاحبه است، تحت‌الشعاع قرار داده باشد. واقعیت آن است که کشاورزی نیز مثل همه رشته‌های دیگر، نیاز به فراهم‌سازی زیرساخت‌هایی دارد که باید مثل همه جای دنیا، برای پسته

ایران مدت‌ها است که با کم‌آبی دست و پنجه نرم می‌کند. کرمان، مهد پسته ایران این روزها بیشتر از هر زمان دیگری کم آب است. استانی که همه آن را به پسته‌های خوشمزه‌اش می‌شناسند، این روزها بدجور با کم‌آبی دست و پنجه نرم می‌کند. پسته‌اش هم همین‌طور. حتی برخی آنقدر به آینده تولید آن بدبین هستند که می‌گویند کرمان در چند سال آینده ممکن است دیگر پسته نداشته باشد؛ اما درختان پسته صبور، هنوز هم بار می‌دهند؛ هرچند که علاوه بر کم‌آبی با تغییرات اقلیمی و دیگر مشکلات روبه‌رو هستند. علی نظری، عضو هیأت امنای انجمن پسته ایران اما می‌گوید این تئوری را قبول ندارد که ایران در سال‌های دیگر پسته نخواهد داشت. او معتقد است که تا وقتی که مزیت داریم، پسته تولید خواهیم کرد.

آقای مهندس! به گفته صاحب‌نظران، تولید پسته ایران در پایین‌ترین سطح نیم قرن اخیر خود قرار دارد؛ چرا به این وضعیت دچار شدیم و چه پیش‌شرط‌هایی رعایت نشده که اوضاع پسته ایرانی چندان مساعد نیست؟

ساخت‌ها است. تمام اینها در شرایطی است که پسته از مرز جلفا تا سیستان و بلوچستان، در اقلیم‌های متنوعی کاشته می‌شود و خود به خود در این اقلیم‌ها باید کارهای ابتدایی را انجام می‌داد؛ اما همان‌طور که گفتیم، این کارهای ابتدایی نیز انجام نشده‌است و یکی از تبعاتش هم این است که تولید پسته هر سال رو به کاهش است.

با توجه به همه نکاتی که گفتید و با توجه به اتفاقات و زیرساخت‌هایی که فراهم نشده، آیا هنوز هم فرصتی وجود دارد که این زیرساخت‌ها را احداث کنیم؟ به هر حال ایجاد هر زیرساختی تا به ثمر رسیدن آن برای استفاده کاربردی، بسیار زمان‌بر است؟

به هر حال باید به این نکته اشاره کنیم که ایجاد زیرساخت، همیشه یک کار درازمدت است و ما ملت کوتاه‌مدت شده‌ایم، بنابراین به ایجاد چنین زیرساخت‌هایی همت نمی‌کنیم؛ اما به هر حال، اگر امروز شروع کنیم، بیست سال بعد جواب خواهیم گرفت. پس حتی یک روز تعلل هم دیر است، درحالی‌که ایجاد این باغات مادری و سازگاری و سایر زیرساخت‌های لازم برای تولید پسته، یکی از مصوبات ستاد عالی پسته در زمان ابتدای دوره جدید وزارت آقای حجتی در وزارت جهاد کشاورزی در ۶ سال قبل بوده است. اکنون از آن زمان ۶ سال گذشته‌است، درحالی‌که اگر این مصوبه عمل شده‌بود، کم‌کم اکنون نتایج آن را می‌دیدیم.

اصولاً علاوه بر نبود زیرساخت‌ها چند درصد از مشکلات امروز صنعت پسته را باید به نقش تغییرات اقلیمی در این تحولات نسبت داد؟ شما وزنه تغییرات اقلیمی را چقدر سنگین می‌دانید؟

تغییرات اقلیم فقط برای ما در ایران نیست و در همه جای دنیا رخ داده و می‌دهد. اگر ما خود را مجهز می‌کردیم، قطعاً اثر کمتری هم از این تغییرات می‌پذیرفتیم. رقم‌هایی که تغییرات اقلیمی می‌تواند در تولید ما تغییر ایجاد کند، متفاوت از ارقامی است که امروز تولید می‌کنیم. پس اگر قبل از آن مطالعه نکرده باشیم به سعی و خطا دچار می‌شویم. به این معنا که نباید ارقامی را انتخاب کنیم که تولید آنها اشتباه است؛ همان‌طور که

می‌دانید تولید پسته ارقام متنوعی دارد که اگر در آن دقت نشود، اثرات منفی بسیاری خواهد داشت؛ چرا که در طبیعت مطابق با اقلیم‌های مختلف رقم‌های مختلف وجود دارد، برخی ارقام برای مناطق خشک و برخی دیگر برای مناطق مرطوب، سرد و یا گرم است. بنابراین اگر مطالعه شده باشد، تولید به خوبی پیش خواهد رفت، چرا که به درستی می‌دانیم چه اقلامی برای چه منطقه‌ای مناسب است و اطلاعات آن را در اختیار کشاورزان قرار می‌دهیم. درحالی‌که اکنون این اتفاق رخ نداده‌است.

برداشت‌های بی‌رویه آب در استان‌هایی مثل کرمان چه تأثیری بر وضعیت امروز داشته است و آیا می‌توان گفت از ماست که بر ماست؟

خشکسالی کاملاً درست است و به همین دلیل است که پسته از کرمان به خراسان، آذربایجان و کردستان رفته‌است؛ ولی در حوزه سطح زیرکشت، در حدود ۵۰ سال قبل ۹۰ درصد سطح زیرکشت در کرمان بود، اما این رقم اکنون به ۳۰ درصد رسیده‌است. به هر حال این برداشت بی‌رویه اکنون در همه مناطق ایران خود را نشان داده و این موضوعی مستقل از بحث خشکسالی و بی‌آبی است؛ به هر حال باید به این نکته هم توجه داشت که راندمان آبیاری پایین است؛ به این معنا که در آمریکا به ازای هر کیلو پسته تر، یک متر مکعب آب مصرف می‌شود؛ در حالی‌که ما به ازای هر کیلو پسته تر ۳ تا ۴ متر مکعب آب مصرف می‌کنیم.

کدام سیاست‌های دولت در بدتر نشدن وضعیت تولید پسته اثر گذاشته‌است؟ شما اشاره‌ای به عدم ایجاد زیرساخت‌ها از سوی دولت مبنی بر فراهم آوردن باغات مادری و سازگاری داشتید. اصولاً چقدر نقش دولت را می‌توان در این موضوع مؤثر و مهم دانست؟

به هر حال دولت در هر کشوری نقش راهنما را دارد؛ پس به عنوان بخشی از حاکمیت وظیفه راهنمایی، هدایت و نظارت را بر عهده دارد. این در حالی است که مروری بر کارنامه عملکردی دولت طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که به هر حال در موضوع کم‌آبی، دولت موضوع را هدایت نکرده‌است. در عین

حال همان‌طور که پیشتر اشاره کردم در فراهم‌آوری و احداث باغات مادری و سازگاری نیز گامی برنداشته‌است؛ این در حالی است که این باغات باید با مشارکت بخش خصوصی و دولت احداث شود؛ یا در بخش آب کشاورزان برای آب قیمت قائل هستند و اینکه یک کشت باید صورت گیرد یا نباید انجام شود را دولت تعیین می‌کند؛ حتی مشوق‌ها را هم بر همین اساس اختصاص می‌دهند و قیمت را هم برای آن در نظر می‌گیرد، ولی اگر از هر کشاورزی بپرسیم که در کشور ما اهمیت آب برای او چقدر است، به طور قطع جواب درستی نمی‌دهد. ما اکنون کویرها و زمین‌هایی داریم که به دلیل کم‌آبی، امکان این را نداریم که در آنها کشاورزی کنیم؛ پس موضوع آب برای ما بسیار مهم است و باید از سوی دولت مدیریت شود؛ این در شرایطی است که همه کشاورزان می‌دانند که یک هکتار زمین چقدر پسته می‌دهد، اما اگر از آنها سوال کنیم که به ازای هر متر مکعب آب چقدر پسته برداشت می‌کنید، به طور قطع پاسخ آن را نمی‌دانند. اینکه کشاورز به زمین حساس شده، به طور قطع به نقشی است که در گذشته دولت ایفا کرده‌است؛ یا حتی جایزه گذاشته و کشاورز نمونه تعریف کرده‌است؛ چراکه یکی از شاخص‌های انتخاب کشاورز نمونه آن است که به ازای هر هکتار، چقدر محصول برداشت می‌کند؛ اما متأسفانه در تعیین این شاخص‌ها خبری از مدیریت آب نبوده و تشویق و تنبیهی هم در کار نیست. بنابراین، هدایت‌ها و نظارت‌ها به عهده دولت است و می‌تواند چراغ راهنمایی در مسیر حرکت کشاورزان در کشت محصولات مختلف کشاورزی باشد. در حالی‌که اکنون به نظر می‌رسد که این ریل‌گذاری اشتباه بوده‌است و همین است که کشاورز، هیچ‌گاه به بهره‌وری در آب توجه نمی‌کند و هیچ‌وقت نسبت به این موضوع حساس هم نبوده‌است؛ حتی اگر دولت می‌خواهد یارانه‌ای به کشاورزان ارائه دهد، باید بهره‌وری آب را هم ملاک قرار دهد، موضوعی که اکنون آن را نادیده گرفته‌است. بنابراین، بدون توجه به این نکته، کشاورز آب را تلف کرده و حتی یارانه هم از دولت دریافت نموده‌است. باید این نکته را همواره در نظر داشت که آب در کشور، نقش حیاتی دارد و دولت نباید از کسانی که آب را تلف می‌کنند حمایت کند

چطور است؟

اگر روال گذشته که تا به امروز هم ادامه یافته است، استمرار داشته باشد، متأسفانه باید گفت که در حوزه تولید و صادرات پسته در افول خواهیم بود؛ مگر اینکه مسئولان و بخش خصوصی، هر دو دست به دست هم بدهند تا آنچه که تا به حال انجام می‌شده است تغییر داده و رویه‌های کاری را عوض کنند. به هر حال واقعیت آن است که دولت اکنون خیلی حجیم است. دولت مقدار زیادی از مسئولیت را باید به بخش خصوصی واگذار کند و خود بحث سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و راهبری را به انجمن‌های تخصصی بخش خصوصی بسپارد؛ یعنی دولت کارهایی را که می‌خواهد خودش انجام دهد را به بخش خصوصی بسپارد، دولت خودش سرش شلوغ است و توان کارشناسی کافی ندارد؛ ضمن اینکه دولت و بخش‌های دولتی گرفتار بروکراسی هستند و در بخش آب و کشاورزی هر روز یک تصمیم می‌گیرند، درحالی که باید بخش خصوصی و انجمن‌های مربوطه را به بازی بگیرد و کار را به آنها واگذار کند. این در حالی است که تبعیت از سیاست‌گذاری‌های مشترک که بین دولت و بخش خصوصی تدوین می‌شود، می‌تواند منجر به راه‌حل‌های خوبی شود و آثار و ثمرات بسیار مناسبی برای بخش تولید داشته باشد؛ اما اینکه دولت خود به تنهایی تصمیم بگیرد و بدون نظر دیگران و حضور نهادهای بخش خصوصی کار را پیش برد و تصمیم را دیکته کند، راه به جایی نخواهد برد.

آیا دولت در این رابطه حرف‌ها را می‌خواند؟

مهم این است که وزارت جهاد کشاورزی کار را با تشکل‌های بخش خصوصی پیش ببرد. هر چقدر که بخواهیم تصمیمات خود را به کشاورزی تحمیل کنیم، بدون اینکه حرف متخصصان و صاحبان حرفه را بشنویم، کار به جایی نخواهد رسید. در این میان، بسیاری از مسئولان بخش‌های مختلف در دنیا، کار را به انجمن‌های صنفی و تخصصی واگذار کرده‌اند و دولت از آنها می‌خواهد که کار را پیش برند و نظر خود را اعلام کنند. پس در ایران هم باید قاعده این باشد که مسئولیت را به بخش خصوصی واگذار نمایند که اگر این اتفاق رخ داده بود، امروز فقط دولت نباید نسبت به وضعیت کنونی پسته و یا

و نباید یارانه‌ای به آنها بدهد، تا ارزش آب را بفهمند و در راستای بهره‌وری آب گام بردارند. **پسته با تمام شرایطی که گفتید اکنون تولید پسته رو به کاهش نهاده است. اثر کاهش تولید و صادرات پسته بر درآمدهای کشور و بازارهای صادراتی چه خواهد بود؟** پیش‌بینی‌ها مبنی بر این است که تولید پسته به ۵۰ هزار تن در سال جاری می‌رسد. تصور ما هم همین است که بین ۵۰ تا ۸۰ هزار تن بیشتر تولید نمی‌کنیم. متوسط تولید پسته ایران در سال قبل ۱۷۰ هزار تن بوده و بیش از یک میلیارد دلار صادرات داشتیم، ولی امسال به حداکثر ۸۰۰ میلیون دلار خواهیم رسید؛ درحالی که آمریکا تولید را به ۴۵۰ هزار تن رسانده است؛ پس به هر نسبتی که ما از بازارهای جهانی و صادراتی پسته بیرون می‌رویم، آنها جای ما می‌آیند و همان‌طور که می‌دانید بازگشت به بازار از دست رفته، خیلی راحت نیست. امسال هر مشتری که هر سال از ایران پسته خریداری می‌کرده است اگر پسته را از ایران دریافت نکند به سراغ آمریکا خواهد رفت و سهم بازار را از دست می‌دهیم. **پسته به هر حال اکنون این بحران پیش روی صنعت پسته قرار گرفته است، حال چه کارهایی برای عبور از بحران می‌توان انجام داد؟** به نظرم رمز کار این است که باید درازمدت فکر کنیم. هر زمانی که در باغبانی، مسئولان کشور دراز مدت فکر می‌کنند مساله حل شده و مشکلات کمتر می‌شود.

چشم انداز سال‌های آینده

پیش‌بینی‌ها مبنی بر این است که تولید پسته به ۵۰ هزار تن در سال جاری می‌رسد. تصور ما هم همین است که بین ۵۰ تا ۸۰ هزار تن بیشتر تولید نمی‌کنیم. متوسط تولید پسته ایران در سال قبل ۱۷۰ هزار تن بوده و بیش از یک میلیارد دلار صادرات داشتیم، ولی امسال به حداکثر ۸۰۰ میلیون دلار خواهیم رسید

معتقدم که تا وقتی که مزیت

داریم تولید خواهیم کرد. البته باید

به این نکته هم اشاره کرد که ما همچنان مزیت‌های خیلی خوبی داریم که حتی به لحاظ اقلیم، بسیار بهتر از آمریکا است. پس اکنون هم عقیده ندارم که این مزیت‌ها تمام شده باشد. ما بیش از هزار سال است که پسته تولید می‌کنیم

سایر محصولات کشاورزی پاسخگو می‌بود؛ بلکه این انجمن‌ها بودند که باید پاسخگو می‌بودند؛ ولی اکنون دولت پاسخگو نیست و در مقابل هم، کسی به دولت پاسخ نمی‌دهد. ضمن اینکه دولت باید مأموریت‌های خود را واگذار کند؛ چرا که اکنون حجیم، وسیع و بزرگ شده و کارها به شیوه بروکراتیک پیش می‌رود؛ از سوی دیگر، دولت مملو از کارشناسانی است که در هم می‌پیچند و کاری هم از وزیر بر نمی‌آید. وزرا هم دست‌شان بالا است و سیستم آچمز است.

شما این تئوری را قبول دارید که چند سال آینده، پایان تولید پسته در ایران است؟

من این ایده را قبول ندارم؛ بلکه معتقدم که تا وقتی که مزیت داریم تولید خواهیم کرد. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که ما همچنان مزیت‌های خیلی خوبی داریم که حتی به لحاظ اقلیم، بسیار بهتر از آمریکا است. پس اکنون هم عقیده ندارم که این مزیت‌ها تمام شده باشد. ما بیش از هزار سال است که پسته تولید می‌کنیم و صادرات پسته ایران از سال ۱۳۰۰ شروع شده است، درحالی که آمریکا تولید تجاری خود را از سال ۵۶-۱۳۵۷ شروع کرده است که البته مصادف با آغاز تولید در این کشور است. درحالی که وقتی آمریکا دریافت که مزیت در تولید دارد، آن را توسعه داد. بر این اساس، این کشور در سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ مطالعات تحقیقاتی خود را روی پسته شروع کرد، ولی حدود سال ۱۳۵۵ اولین باغات تجاری خود را احداث نمود. کار درست این است که باید بیست تا سی سال مطالعه بر روی محصولات صورت گیرد و بعد تولید تجاری را به روش اصولی آغاز کرد. به هر حال اگر امروز هم شروع کنیم، با توجه به مزیتی که در پسته داریم، حتماً به خوبی کار را پیش خواهیم برد.

اثر پتاسیم در پسته

دبیرخانه انجمن پسته ایران



علائم کمبود پتاسیم

عنصر پر مصرف پتاسیم فعال کننده بسیاری از آنزیم‌های گیاهی است. این عنصر برای تنظیم باز کردن منافذ تنفسی که در میزان تعرق، روابط آبی گیاه و تبادل گازها نقش دارد، مورد نیاز است.

گیاهان همچنین به این عنصر برای تشکیل قندها و نشاسته برای ساخت پروتئین نیاز دارند. پتاسیم موجب افزایش میزان روغن در مغز پسته می شود و مقاومت آن را در مقابل سرما بالا می‌برد. دانه‌های پسته منبعی سرشار از پتاسیم هستند؛ از این رو مقدار زیادی از پتاسیم داده شده به درختان پسته هر ساله پس از برداشت از درخت تخلیه می‌شوند.

از آنجایی که عنصر پتاسیم با تشکیل میوه به مقدار زیاد مورد استفاده درخت قرار می‌گیرد، در صورتی که اضافه کردن مداوم آن در برنامه کوددهی نباشد، پتانسیل زیادی برای کمبود آن وجود دارد. احتمال وقوع کمبود پتاسیم در خاک‌های سبک، سنگلاخی

و شنی زیاد به نظر می‌رسد. برگ‌های در معرض کمبود پتاسیم، علائم ظاهری کمبود را در اوایل تابستان نشان می‌دهند. در شرایط کمبود این عنصر در درختان پسته، برگ‌ها رنگ پریده شده (شبه کمبود نیتروژن) و لبه برگ‌ها به سمت بالا پیچیده و خط خاکستری رنگی در حاشیه برگ ایجاد می‌شود.

درختانی که بطور مداوم دچار کمبود پتاسیم شده باشند رشدشان کم شده و برگ‌های کوچک‌تری تولید می‌کنند. علائم کمبود مزمن پتاسیم این است که زرد شدن برگ‌ها از نوک برگ آغاز شده و به سمت حاشیه برگ که پیچ خورده است گسترش پیدا می‌کند و این محدوده تا انتهای تابستان عریض‌تر می‌شود.

رفع کمبود پتاسیم

اضافه کردن کودهای پتاسه به خاک علاوه بر افزایش وزن مغز و درصد خندانی پسته، کاهش پوکی و در نتیجه افزایش محصول در هکتار را به همراه خواهد داشت. فارغ از اینکه

منبع مورد استفاده از اکسید پتاسیم (K_2O)، سولفات پتاسیم (K_2SO_4) و یا نترات پتاسیم (KNO_3) باشد، پاسخ مناسب با اضافه کردن کودهای پتاسه اتفاق می‌افتد.

برخی از خاک‌ها میزان قابل در دسترس کودهای پتاسه را در طی فرآیند شیمیایی کاهش می‌دهند، از این رو خاک‌هایی که دارای برخی مواد معدنی رسی هستند، ممکن است پاسخ مثبتی به اضافه کردن کودهای پتاسه ندهند.

برای داشتن بهترین اثر کودهای پتاسه، باید این کودها را در طول دوره بیشترین نیاز به پتاس در درخت یعنی در زمان پر کردن مغز در آب آبیاری اضافه کنید. میزان مصرف کودهای پتاسه بر اساس حد پیشنهادی ۲ درصد وزن خشک موجود در بافت برگ می‌تواند تنظیم شود. افزایش بیش از حد پتاسیم می‌تواند به تداخل با جذب عناصر غذایی کاتیونی نظیر کلسیم و منیزیم منجر شود.

آنالیز برگ پسته

دبیرخانه انجمن پسته ایران

نام عنصر	حد بحرانی	حد پیشنهادی
نیتروژن (N)	۱,۸٪	۲,۵-۲,۲٪
فسفر (P)	۰,۱۴٪	۰,۱۷-۰,۱۴٪
پتاسیم (K)	۱,۶٪	۱,۸-۲٪
کلسیم (Ca)	۱,۳٪ (؟)	۱,۳-۴٪
منیزیم (Mg)	۰,۶٪ (؟)	۱,۲-۰,۶٪
سدیم (Na)	(؟)	(؟)
کلر (Cl)	(؟)	۰,۱-۰,۳٪
منگنز (Mn)	۳۰ ppm	۸۰-۳۰ ppm
بُر (Bo)	۹۰ ppm	۲۵۰-۱۵۰ ppm
روی (Zn)	۷ ppm	۱۵-۱۰ ppm
مس (Cu)	۴ ppm	۱۰-۶ ppm

تفسیر آنالیز برگ

نتایج آنالیز برگ بر اساس غلظت عناصر غذایی موجود در برگ بر مبنای وزن خشک گزارش می‌شوند. غلظت عناصر پرمصرف بر مبنای درصد (وزن عنصر بر حسب گرم به ۱۰۰ گرم وزن ماده خشک) و عناصر ریزمغذی بر اساس بخش در میلیون (میکروگرم وزن عنصر غذایی بر گرم وزن خشک، ppm) گزارش می‌شوند. برای هر عنصر، آزمایشگاه معمولاً برای سهولت در تفسیر نتایج حدود بحرانی و مناسب را تعریف می‌کند. حدود بحرانی به غلظتهایی از عناصر اشاره دارد که در آن حدود، علائم کمبود مشاهده می‌شود. غلظت‌های موجود در بافت برگ زیر حدود بحرانی موجب کاهش رشد درخت و کاهش محصول‌دهی خواهد شد.

حدود مناسب به غلظتهایی از عناصر گفته می‌شود که در آن حدود رشد گیاه بهینه است، ولی غلظت‌های بیشتر از آن نیز به دلیل مسمومیت محدود می‌شود. با وجود اینکه حدود بحرانی مبنایی برای محصول‌دهی و کیفیت محصول نیست، ولی ابزار ارزشمندی برای ارزیابی وضعیت عناصر غذایی و سلامتی عمومی درختان محسوب می‌شود.

ممکن است برای یک دوره زمانی کوتاه برای بهینه کردن محصول‌دهی، برخی عناصر همانند بُر در طول گلدهی و همچنین پتاسیم در هنگام مغز پر کردن نیاز به کوددهی تکمیلی وجود داشته‌باشد.

سطح وسیعی از باغ مد نظر باشد آنگاه نیاز به نمونه برداری از تعداد بیشتری از درختان وجود دارد.

روش نمونه‌برداری

در نمونه‌برداری باید ۶ یا ۷ برگ از برگ‌های کامل شده غیرانتهایی از شاخه‌های غیربارده هر درخت در ارتفاع بالای یک متر از سطح زمین جدا شود.

نتایج آنالیز برای عناصر ریز مغذی که قبلاً روی برگ‌ها محلول‌پاشی شده اند معنی دار نمی‌باشد، چرا که عناصر باقی مانده از محلول‌پاشی موجود در سطح برگ قابل پاک شدن نیستند. بنابراین درختانی که در طول فصل برای عناصر ریز مغذی محلول‌پاشی قرار گرفته‌اند نباید برای نمونه‌برداری مورد استفاده قرار گیرند. نمونه‌ها باید در کیسه‌های برچسب‌دار نگهداری شوند و ظرف ۲۴ ساعت از زمان نمونه‌برداری به آزمایشگاه ارسال شوند. حدود بحرانی بر اساس نمونه‌های برداشته شده در اواسط تیرماه تا اواسط مرداد ماه در آمریکا تعریف شده‌اند. هر چند که آنالیز برگ برای مقایسه درختان سالم و مشکل دار در هر زمانی می‌تواند انجام شود. داده‌های نمونه‌های برگ گرفته‌شده در زمان‌های غیر از زمان مذکور ممکن است دارای غلظت‌های مختلفی نسبت به آنچه در جدول پیشنهاد شده، داشته باشد و باید با احتیاط تفسیر شوند.

آنالیز برگ برای شناسایی کمبودها و مسمومیت‌های عناصر غذایی مفیدتر از آنالیز خاک است.

ترکیبات معدنی برگ به عوامل زیادی همچون مرحله تکامل برگ، شرایط آب و هوایی، فراهم‌بودن عناصر در خاک و قابلیت دسترسی آنها برای درخت، توسعه و فعالیت ریشه و آبیاری بستگی دارد.

آنالیز برگ با تلفیق این عوامل، تخمینی از میزان جذب هر کدام از عناصر توسط ریشه ها ارائه می‌دهد. محدودیت اصلی آنالیز برگ، عدم پاسخگویی راجع به چرایی کمبود های عناصر غذایی است.

نمونه‌برداری برگ

میزان غلظت عناصر غذایی برگ در طول زمان، سن برگ، موقعیت در تاج درخت و در حضور یا عدم حضور میوه متفاوت است. وضعیت تغذیه درختان یک باغ ممکن است بواسطه حاصلخیزی خاک، میزان دسترسی به آب و نور متفاوت باشد. بنابراین برای مقایسه صحیح لازم است که روشهای نمونه برداری استاندارد سازی شوند. انتخاب روش نمونه برداری بسته به هدف از آنالیز تغییر می‌کند. در صورتیکه هدف، صرفاً شناسایی مشکل در یک درخت یا محدوده باشد، در این صورت نمونه برداری از تعدادی درخت مشکل دار و تعدادی درخت سالم کفایت می‌کند. زمانی که ارزیابی وضعیت کلی عناصر غذایی در



اثر محلول پاشی سیلیکات پتاسیم در پسته

ابراهیم فرازی، کارشناس ارشد باغبانی

حسین حکم آبادی، عضو هیأت علمی ایستگاه تحقیقات دامغان



تشدید علائم آفتاب سوختگی در میوه پسته در اثر کمبود کلسیم



تشدید علائم آفتاب سوختگی در میوه پسته در اثر کمبود پتاسیم

محلول پاشی سیلیکات پتاسیم

سیلیسیم دومین عنصر فراوان پورته زمین و جزو عناصر مفید برای گیاهان بشمار می آید. بیشتر مطالعات انجام شده بروی اثر مکانیکی سیلیس متمرکز شده و کمتر به نقش فیزیولوژیکی آن توجه شده است. سیلیسیم، ضخامت، سفتی و ایستادگی برگ های گیاه را افزایش می دهد که باعث افزایش نفوذ نور به چتر درخت و در نتیجه عملکرد گیاه می شود. طبق نتایج به دست آمده، محلول پاشی سیلیکات پتاسیم در گیاهان زراعی مختلف سبب از بین رفتن بیماری، استحکام بخشیدن به آوندهای چوبی و ممانعت از پلاسیدگی، افزایش کلسیم، تولید تعداد گلچه بیشتر و افزایش کلروفیل برگ شده است.

کاربرد سیلیس، حاصلخیزی خاک را از طریق تأثیر مفید بر جمعیت موجودات ذره بینی خاک، افزایش می دهد. سیلیس همچنین توسط گیاه جهت استحکام دیواره سلول های آوند چوبی

گرم سطح خاک را نمی دهد؛ بنابراین هوای گرم مجاور خوشه خسارت آفتاب سوختگی را تشدید می کند. همچنین ردیف های شرقی - غربی بیشترین نور را دریافت می کنند و میزان آفتاب سوختگی در میوه های قسمت جنوبی درخت بیشتر است.

افزایش دور آبیاری، همچنین آبیاری نامنظم و تنش آبیاری خصوصاً در زمان پرکردن مغز، باعث کاهش رطوبت خاک شده و میزان جذب آب توسط ریشه ها را کاهش می دهد؛ بنابراین در زمانی که نیاز به جذب آب بیشتر جهت انتقال مواد غذایی از خاک می باشد، این کار با کندی صورت می گیرد. با توجه به محدود شدن جذب آب و مواد غذایی، به بسیاری از میوه ها آب و مواد غذایی کافی جهت ذخیره در مغز ارسال نمی شود که این حالت سبب از دست دادن شدید آب در اثر تبخیر و تعرق شده و چون آب از دست رفته در میوه جایگزین نمی شود و نهایتاً سبب مرگ سلول ها و سقط جنین می گردد.



پسته های سقط جنین شده

یکی دیگر از عوامل آفتاب سوختگی می تواند کمبود کلسیم ناشی از زیادی منیزیم در محلول خاک باشد. میوه پسته که دارای بافت استخوانی است نیاز بیشتری به کلسیم دارد. درخت ممکن است کمبود کلسیم را در برگ نشان ندهد، ولی مقدار کلسیم برای میوه کافی نباشد. یکی از علائم کمبود کلسیم، حساسیت میوه به آفتاب سوختگی است. میوه های دچار کمبود کلسیم و پتاسیم به آفتاب سوختگی حساس تر هستند.

در صورتی که شدت تابش نور خورشید و افزایش دما در زمان رشد سریع مغز بیش از حد تحمل گیاه باشد، سبب ایجاد عارضه آفتاب سوختگی روی میوه می شود. اکثر میوه هایی که دچار آفتاب سوختگی می شوند، سقط جنین می کنند و میوه هایشان پوک و نیمه مغز می شود. در این شرایط سلول های بافت پوست سبز و گاهی پوست استخوانی میوه از بین می رود و در قسمتی از میوه که در معرض تابش شدید نور خورشید قرار گرفته است، حالت نکروزه و سیاه رنگ دیده می شود. ارقام مختلف پسته حساسیت های



متفاوتی به عارضه مذکور دارند. در بین ارقام تجاری پسته، ممتاز حساس ترین و رقم اکبری مقاوم ترین رقم به این عارضه است.

عوامل بروز آفتاب سوختگی

خشکیدگی سرشاخه در اثر ضعف درخت و بیماری ها سبب از بین رفتن شاخ و برگ شده و متعاقباً با تابش مستقیم نور خورشید، آفتاب سوختگی افزایش می یابد. هرس ناهنگام و شدید باعث می شود قسمتی از میوه هایی که قبلاً در سایه قرار داشتند در معرض نور شدید خورشید قرار گیرند. خسارت در میوه هایی که بطور ناگهانی در معرض تابش مستقیم نور خورشید قرار می گیرند به مراتب بیشتر از میوه هایی است که از همان زمان تشکیل در معرض تابش خورشید بوده اند.

همانطور که قبلاً گفته شد، بیشترین افزایش دما در سطح خاک بدون پوشش گیاهی اتفاق می افتد. در صورتی که فاصله بین درختان روی ردیف کم باشد و ردیف های باغ در جهت وزش باد غالب در زمان رشد مغز قرار نداشته باشند، فاصله نزدیک به هم درختان اجازه ورود باد به باغ و جابجایی هوای بسیار

استفاده می‌شود که از این طریق موجب افزایش مقاومت در برابر فشار شده و گیاه را نسبت به شرایط خشکی مقاوم‌تر می‌سازد.

نتایج یک تحقیق و پایان‌نامه در ارتباط با محلول‌پاشی سیلیکات پتاسیم به غلظت ۲٫۵ در هزار و سولوپتاس به غلظت ۲٫۵ در هزار در اواخر خرداد و اواسط تیر ماه ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ بر روی پسته در ادامه آمده است:

نتایج نشان داد که اثرات محلول‌پاشی سیلیکات پتاسیم و سولوپتاس در اوج گرمای تابستان درصد پوکی را در شرایط عادی به میزان ۴۰ درصد و در شرایط تعداد برگ کمتر از استاندارد (۱۰ برگ برای هر خوشه پسته) سبب افزایش ۴۴ درصدی محصول سالم و کاهش ۸۰ درصدی میزان پوکی

شده است. مطالعات متعدد نشان داده است، عنصر سیلیس اثرات مثبتی بر رشد و عملکرد گیاه دارد. افزایش جذب عناصری همانند پتاسیم، فسفر و نیتروژن با اضافه کردن سیلیسیم به محلول غذایی به فرم سیلیکات پتاسیم در تحقیقات برخی از محققین بیان شده است. سیلیس باعث رشد رویشی و افزایش تولیدات ماده خشک می‌شود و تعرق را کاهش می‌دهد و بر کیفیت و عملکرد دانه اثر می‌گذارد. کاربرد سیلیسیم شاخص‌های رشدی را افزایش می‌دهد. با ذخیره و افزایش سیلیس در دیواره ساختمانی سلول‌ها، برگ ایستاده و سایه گسترتری داشته و در نتیجه فتوسنتز افزایش یافته و متعاقب آن افزایش عملکرد خواهیم داشت.

اثرات محلول‌پاشی سیلیکات پتاسیم و سولوپتاس در اوج گرمای تابستان عارضه سوختگی را به میزان ۵۸ درصد کاهش داد.

اثرات محلول‌پاشی سیلیکات پتاسیم و سولوپتاس درصد سقط جنین را در شرایط عادی به میزان ۱۲ درصد و در شرایط برگ کمتر از استاندارد (۱۰ برگ برای هر خوشه پسته) سبب کاهش ۲۶ درصدی میزان سقط جنین شده است.

بنابراین به نظر می‌رسد تکرار دو مرحله محلول‌پاشی در اواخر خردادماه و تیرماه در کاهش خسارت سرسوختگی پسته، پوکی، سقط جنین و افزایش پرکردن مغز پسته موثر می‌باشد.



چند نکته در مبارزه با پسیل

حسین حکم آبادی

عضو هیأت علمی ایستگاه تحقیقات دامغان

■ سمپاشی روی مرحله پورگی آفت
با توجه به اینکه اکثر سموم بر روی مرحله پوره گی آفت موثرتر هستند، بنابراین زمان سمپاشی باید با مرحله پورگی منطبق گردد. لذا در هنگام بررسی باغ چنانچه تعداد تخم آفت زیاد باشد، می توان ۳ تا ۷ روز سمپاشی را به تأخیر انداخت تا تخمها تفریخ شوند.

آفت تصمیم به مبارزه گرفت. زمانی که میانگین جمعیت پوره ها روی هر برگچه به بیش از ۵ عدد رسید، اقدام به مبارزه شود که در ابتدای فصل با صابون ها و سموم کم خطر و در ادامه فصل در صورتی که جمعیت بالاتر رفت از سموم دیگر استفاده شود. همچنین در کاربرد سموم تناوب رعایت شود و از استفاده از یک حشره کش در چند نوبت سمپاشی متوالی خودداری گردد.

■ حفاظت و حمایت از دشمنان طبیعی

بر اساس اطلاعات موجود، کنترل طبیعی پسیل معمولی پسته در طبیعت توسط ۱۸ گونه از دشمنان طبیعی انجام می شود. تخم و پوره های پسیل معمولی پسته غذای مناسبی برای ۸ گونه از کفشدوزک های فعال در باغ های پسته است. علاوه بر کفشدوزک ها که از مهم ترین عوامل کنترل طبیعی پسیل به حساب می آیند، زنبور پسیلافاگوس، سن های شکارگر، بالتوری سبز و کنه های شکارگر نیز از دشمنان طبیعی این آفت در ایران محسوب می شوند.

■ استفاده از سموم کم خطر

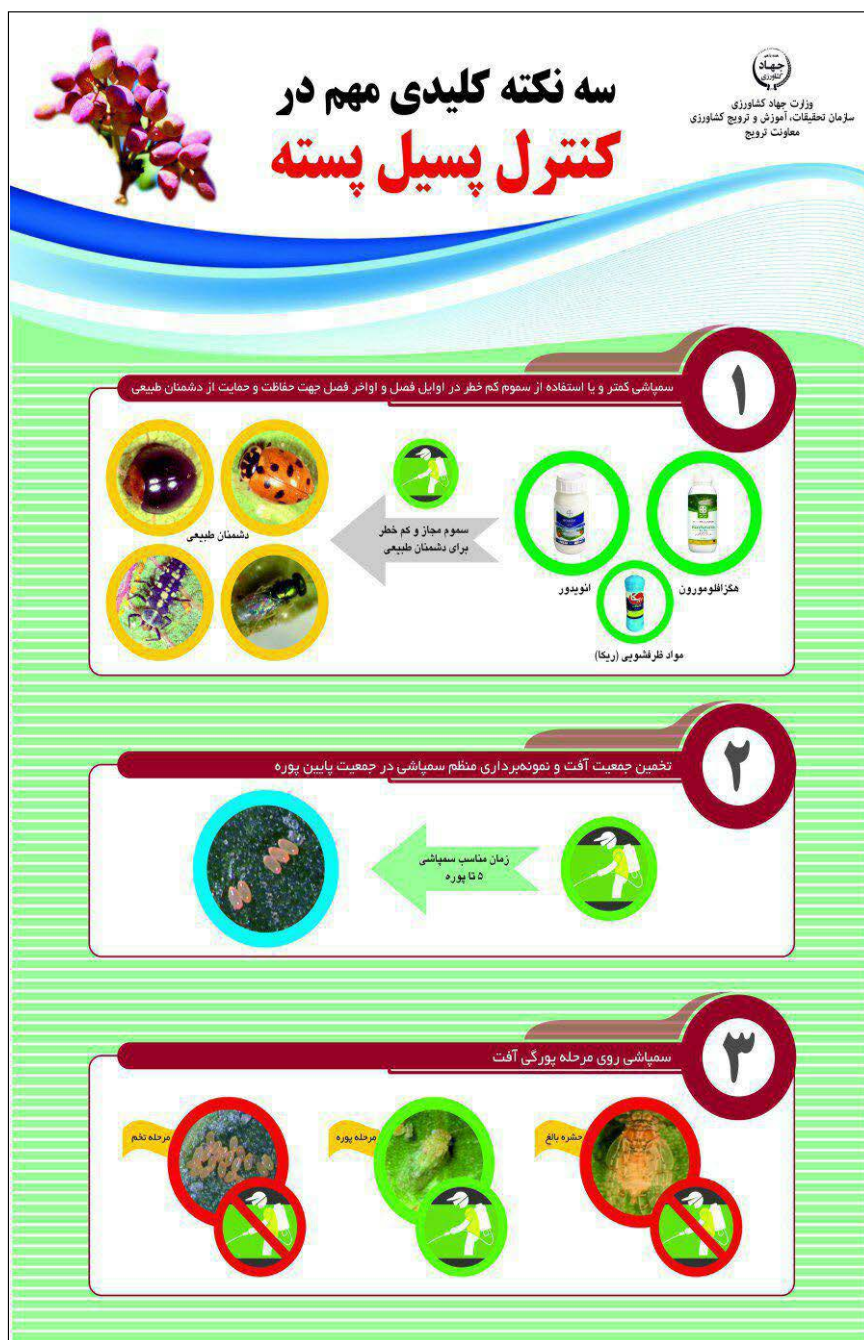
در صورتی که بتوان در طول فصل زراعی و به ویژه در اوایل و اواخر فصل از سموم کم خطر مانند هگزافلومورون و انویدور استفاده کرد علاوه بر کنترل پسیل پسته، دشمنان طبیعی این آفت حفظ می گردد. همچنین صابون های سمپاشی و مواد ظرفشویی (ریکا) اثر جنبی کمی روی دشمنان طبیعی دارند که می توان برای مبارزه با این آفت به تنهایی و یا همراه با سموم استفاده نمود.

■ محدود کردن زمان سمپاشی

محدود ساختن سمپاشی به زمانی که دشمنان طبیعی حضور ندارند و یا در مرحله های که آسیب پذیر نباشند، باعث کاهش اثر آفت کش ها بر دشمنان طبیعی می شود. دشمنان طبیعی پسیل معمولی پسته اوایل فصل و اواخر فصل جمعیت بالاتری دارند؛ بنابراین در ابتدای فصل و اواخر فصل سمپاشی کمتری صورت گیرد و در صورت نیاز از سموم کم خطر استفاده شود. در اواسط فصل یعنی ماه های تیر و مرداد که جمعیت و فعالیت دشمنان طبیعی کمتر است و همچنین گیاه میزبان به خسارت پسیل حساس تر است، می توان از سایر حشره کش ها استفاده نمود.

■ تخمین جمعیت آفت و نمونه برداری منظم

برای اطلاع از جمعیت آفت در طول فصل، لازم است نمونه برداری منظم حداقل ۷ روزه از باغ صورت گیرد. بهتر است در این نمونه برداری ها جمعیت تخم، پوره و حشره کامل تخمین زده شود و بر اساس جمعیت هر مرحله رشدی



در میزگرد پسته در اجلاس شورای جهانی خشکبار بررسی شد:

چشم‌انداز تولید و مصرف پسته



کم بوده‌است.

مایکل هومان در مجموع عرضه محصول پسته در سال جدید را با توجه به تخمین ایران، آمریکا و ترکیه تا حدودی بیش از سال قبل دانست، اما میزان محصول قابل فروش در سال جدید را کمتر از سال گذشته اعلام کرد. طبق گفته وی مانده محصول سال ۲۰۱۸ آمریکا به سال ۲۰۱۹ زیاد خواهد بود، چون سال ۲۰۱۹ سالی ناآور برای پسته آمریکا است و آمریکا باید عرضه را متناسب با میزان بالای تقاضا در بازارهای پسته پیش ببرد.

در ادامه مجری پنل از نماینده کشور چین خواست در خصوص وضعیت بازار چین و پیش‌بینی آینده تقاضای این بازار توضیح دهد.

■ بازار چین

نماینده کشور چین، خانم ویکتوریا با اشاره به محبوبیت پسته در میان مصرف‌کنندگان چینی به خصوص در زمان سال نو (خوش یمنی پسته در بین مصرف‌کنندگان چینی) به افزایش روزافزون تقاضا برای این محصول اشاره کرد. وی در خصوص افزایش تعرفه‌های وارداتی برای پسته گفت: «در صورت لغو تعرفه‌های جدید، تقاضای بازار چین رشد سالانه ۱۰ درصدی خواهد داشت.»

■ پرسش و پاسخ

بخش دوم میز پسته به پرسش و پاسخ از اعضای پنل اختصاص یافت؛ شرکت‌کنندگان حاضر در سالن کنفرانس سوالات خود را برای هریک اعضای پنل مطرح می‌کردند که در ادامه به جزئیات آن اشاره شده‌است.

۹۷-۹۶ را حدود ۳۰ هزار تن اعلام کرد. بنابراین در مجموع حدود ۹۰ هزار تن پسته از ایران در سال تجاری آینده عرضه خواهد شد. آگاه افزود: ایران به طور غیر عادی سالی بسیار کم پسته را تجربه خواهد کرد. انتظار داریم عرضه محصول پسته کالیفرنیا در سال جدید این کمبود را جبران کند.

■ آمریکا

آقای مایکل هومان از شرکت واندرفول که به عنوان نماینده آمریکا مجری پنل بود، سال محصولی قبل را با میزان ۲۷۵ هزار تن پسته سالی کم محصول خواند و میزان مانده انبار پسته آمریکا را ۴۳ هزار تن اعلام کرد. وی میزان محصول جدید آمریکا را به عنوان سال عادی پرمحصول حدود ۴۰۰ هزار تن اعلام نمود و گفت: برای محصول امسال حد ۳۵۰ تا ۴۵۰ هزار تن را در نظر گرفتیم. همیشه حد در نظر می‌گیریم به خصوص امسال که تأمین نیاز سرمایایی خیلی رضایت‌بخش نبود، اما گلدهی یکنواخت بود، هرچند پایان ماه آوریل یعنی حدود ۲ هفته دیرتر از معمول اتفاق افتاد که نتجتاً برداشت را نیز حدود ۲ هفته به عقب خواهد انداخت.

■ ترکیه

نماینده کشور ترکیه، سال جدید را با توجه به شرایط ایده‌آل آب و هوایی، سالی پر محصول برای پسته معرفی کرد. آقای چیکماز تخمین میزان محصول جدید ترکیه را حدود ۲۳۰ هزار تن و مانده محصول از سال قبل را به دلیل میزان بسیار بالای مصرف داخل ترکیه ناچیز اعلام کرد. وی گفت: میزان صادرات محصول سال قبل ترکیه به دلیل قیمت‌های بالا،

دومین روز سی و هفتمین اجلاس شورای جهانی خشکبار با میزگرد پسته آغاز شد. این میزگرد با ریاست آقای مایکل هومان از شرکت بادام و پسته واندرفول و اعضای پنل، آقایان بهروز آگاه از ایران، محمت چیکماز از ترکیه و خانم ژانژونگ ویکتوریا از هنگ‌کنگ برگزار شد. دستور جلسه میز پسته شامل بررسی وضعیت عرضه و تقاضای محصول سال جاری، چشم‌انداز تولید محصول در سال جدید (۹۷-۹۸) و در نهایت پرسش و پاسخ از اعضای پنل بود.

■ پیش‌بینی میزان محصول سال ۹۷-۹۸

مجری پنل در آغاز جلسه ضمن اشاره به افزایش سطح آگاهی مصرف‌کنندگان از مزایای پسته به افزایش روزافزون تقاضا برای این محصول و تمایل مصرف‌کننده پسته به عنوان آجیل در همه بازارها اشاره کرد و آینده بازار پسته را روشن و مثبت‌تر از همیشه ارزیابی کرد. هومان در ادامه به ارائه آمار تولید پسته پرداخت. تخمین تولید پسته سال ۲۰۱۸ (۹۸-۹۷) توسط اعضای پنل ارائه شد که در ادامه ارائه شده‌است:

■ ایران

بهروز آگاه، نماینده انجمن پسته ایران در میز پسته، سال محصولی جدید در ایران را به دلیل گرمای شدید فصل بهار سالی کم محصول دانست. وی با اشاره به این نکته که در سال‌های کم محصول احتمال وجود خطا در تخمین محصول محتمل‌تر است، پیش‌بینی اولیه انجمن از محصول سال ۹۷ ایران را ۶۰ هزار تن و میزان مانده انبار در پایان سال

– انتظار می‌رود تولید کشور

ترکیه سال به سال افزایش

پیدا کند. سطح زیر کشت پسته

در ترکیه در حال افزایش است. در

سال ۲۰۰۹ سطح زیر کشت حدود

۲۱۵ هزار هکتار بود. در سال ۲۰۱۵

به حدود ۳۰۰ هزار هکتار رسید که

نشان دهنده رشدی ۳۴ درصدی

است. از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷

حدود ۱۰ درصد افزایش در سطح

زیر کشت بارده داشته‌ایم.

می‌توانیم پسته مکانیک خندان تولید کنیم. این موضوع مصرف پسته خندان را افزایش داده‌است.

– پیش‌بینی شما از فروش و مصرف پسته در بازارهای بین‌المللی در سال جدید چیست؟

بهرروز آگاه – می‌دانیم که امسال ایران حدود ۹۰ هزار تن، آمریکا حدود ۳۵۰ هزار تن و ترکیه حدود ۶۰ هزار تن پسته صادر خواهند کرد؛ یعنی در مجموع قرار است حدود ۵۰۰ هزار تن پسته در دنیا عرضه شود. پس فکر نمی‌کنم عرضه پسته با محدودیتی روبه‌رو باشد. تازه آمریکایی‌ها معمولاً ۴۰ تا ۵۰ هزار تن هم به سال بعد انتقال می‌دهند. بنابراین این میزان پسته جوابگوی تقاضای جهانی خواهد بود.

– شرایط فعلی سیاسی ایران بر صادرات پسته این کشور چه تأثیری خواهد گذاشت؟

بهرروز آگاه – برای پاسخ به این سوال هنوز زود است. باید ببینیم چه پیش می‌آید.

– تفاوت‌های کیفی پسته ایران و ترکیه کدامند؟

محمّد چیکماز – میزان روغنی که در مغز پسته ترکیه است از نوع ایرانی بیشتر است. البته درک این موضوع در بازارهای مختلف دنیا متفاوت است. مثلاً در اروپا ترجیح می‌دهند مغز پسته از ترکیه بخرند تا ایران، ولی از لحاظ قیمتی البته ترجیح می‌دهند از ایران خرید کنند. ترکیه سرمایه‌گذاری‌های

پوک تأثیر قابل توجهی بر میزان محصول خواهد گذاشت. در زمان برداشت و ضبط محصول این موضوع مشخص خواهد شد.

– آیا عرضه و قیمت سایر مغزجات در دنیا بر قیمت پسته تأثیر خواهد داشت؟

بهرروز آگاه – شخصاً فکر نمی‌کنم این‌طور باشد. بادام، بادام زمینی و بادام هندی عرضه می‌شوند، اما پسته همیشه بازار و جایگاه ویژه خودش را داشته‌است. شاید چون پسته آجیل نسبتاً گرانی است هنوز خیلی از مردم دنیا آن را امتحان نکرده‌اند. تا جایی که به تولید مربوط می‌شود فکر می‌کنم نهایتاً آنقدر بازار برای پسته پیدا خواهد شد که کل پسته تولید شده به مصرف برسد. فکر نمی‌کنم در حال حاضر مصرف‌کنندگان پسته بیشتر از ۵۰۰ میلیون نفر باشند، اما امروز جمعیت جهان ۸ میلیارد نفر است. به نظر من در آینده حداقل ۳ میلیارد نفر از این جمعیت، مثلاً از آمریکای جنوبی یا سایر کشورهای شرق دور، قدرت خرید پسته داشته باشند.

– وضعیت بازار مغز پسته چگونه است؟

مایکل هومان – بازار مغز پسته کالیفرنیا در حال رشد است. تقاضا برای مغز در حال افزایش است و انتظار داریم در آینده هم بیشتر شود.

– مصرف داخل پسته در ترکیه چقدر است؟

محمّد چیکماز – در سال ۲۰۱۷ به دلیل افزایش قیمت‌ها مصرف پسته در داخل ترکیه از ۶۵ هزار تن فراتر نرفت. انتظار داریم در سال جدید حدود ۹۰ تا ۱۱۰ هزار تن پسته در داخل ترکیه مصرف شود.

– ترکیه برای توسعه واردتهای تجاری پسته در آینده چه برنامه‌ای دارد؟

محمّد چیکماز – در کل باید گفت حدود ۳۰ درصد از محصول ترکیه وارد بازار مغز می‌شود. ۷۰ درصد باقیمانده به صورت پسته خشک در پوست و به صورت آجیل برشته و شور عرضه می‌شود. ما برای مغز پسته چند نوع وارپته داریم. سبز تیره، سبز، و زرد (وارپته معمول)، وارپته‌های سبز تیره و سبز وارد صنایع شیرینی‌سازی می‌شوند. واحدهای فرآوری پسته ترکیه در سال‌های اخیر توسعه بیشتری یافته‌است؛ مثلاً در حال حاضر

– چشم انداز تولید پسته ترکیه در آینده چگونه است؟

محمّد چیکماز – انتظار می‌رود تولید کشور ترکیه سال به سال افزایش پیدا کند. سطح زیر کشت پسته در ترکیه در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۹ سطح زیر کشت حدود ۲۱۵ هزار هکتار بود. در سال ۲۰۱۵ به حدود ۳۰۰ هزار هکتار رسید که نشان دهنده رشدی ۳۴ درصدی است. از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ حدود ۱۰ درصد افزایش در سطح زیر کشت بارده داشته‌ایم.

همچنین، تعداد زیادی درخت جدید به باغات فعلی اضافه شده که باعث می‌شود میزان بازدهی باغات افزایش پیدا کند. دولت ترکیه برای آبیاری باغات پسته یارانه در اختیار کشاورزان قرار داده‌است. سال ۲۰۱۹ برای ترکیه سالی کم محصول خواهد بود، اما در بدترین حالت نیز بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار تن پسته خواهیم داشت. انتظار می‌رود ترکیه در سال ۲۰۲۰ بین ۲۸۰ تا ۳۰۰ هزار تن پسته تولید کند. البته ناگفته نماند که پسته ترکیه ریز است و خصوصاً در سال‌های پرمحصول حدود ۶۰ درصد کل محصول شامل پسته خشک در پوست ساینز ۳۲-۳۴ می‌شود و ۴۰ درصد محصول را پسته ۳۲-۳۰ تشکیل می‌دهد. نکته دیگر اینکه پسته ترکیه بیشتر برای مغزش محبوب است، چرا که مغز پسته ما روغن زیادی دارد و صنایع شیرینی‌سازی خصوصاً در خاورمیانه مغز پسته ترکیه را ترجیح می‌دهند که البته این موضوع تا حد زیادی به قیمت بستگی دارد.

– شایعه شده بود که امسال تأمین نشدن نیاز سرمایی در کالیفرنیا باعث افزایش درصد پسته‌های پوک می‌شود. آیا این موضوع صحت دارد؟

مایکل هومان – اوایل زمستان در کالیفرنیا روزهای گرم زیادی داشتیم و همان‌طور که به پایان زمستان نزدیک می‌شدیم روزهای سرد نیز داشتیم که این ناهماهنگی نگرانی‌هایی ایجاد کرد. خوشبختانه در ادامه فصل دیدیم گلدهی منظم و یکنواخت است که نشان داد ساعات سرمایی کافی بوده‌است. البته ناگفته نماند هنوز نگرانی‌هایی وجود دارد، برای همین است که ما برای اعلام تخمین محصول حد پایین را هم در نظر می‌گیریم. ما می‌دانیم که درصد پسته‌های

برداشت کشاورزان تعدادی کارگر استخدام می‌کنند تا برداشت را آغاز کنند. ظرف ۳ الی ۴ روز یک باغ ۲ هکتاری را ۲۰ تا ۳۰ کارگر برداشت می‌کنند.

بهروز آگاه - بستگی دارد، تعداد دقیق و استاندارد نیست. معمولاً به ازای هر هکتار ۵ الی ۶ نفر کارگر لازم است.

- تقاضای بازار برای مغز پسته خام پاستوریزه چگونه است؟

مایکل هومان - در بازار داخلی آمریکا با توجه به افزایش تمایل به مصرف مواد غذایی طبیعی تقاضا برای مغز پاستوریزه در حال افزایش است.

- چشم انداز بلند مدت تولید پسته در ایران چیست؟

بهروز آگاه - در ایران درصد بالایی از کل پسته تولید شده متعلق به استان کرمان است، اما در سال‌های اخیر به دلیل کمبود شدید آب در این منطقه، سایر استان‌های ایران هم زیر کشت پسته رفته‌اند. اگر سطح زیر کشت پسته در کرمان را ۲۵۰ هزار هکتار در نظر بگیریم، فکر می‌کنم در آینده در کل ایران ۳۰۰ هزار هکتار باغ پسته داشته باشیم.

محمت چیکماز - باید ۲ مسئله را در نظر بگیریم؛ بحث پایداری قیمت‌ها و پایداری میزان محصول. در مورد موضوع دوم همان‌طور که قبلاً هم گفتم تولید ترکیه از سال ۲۰۱۸ به بعد قرار است افزایش پیدا کند. از آنجا که بازدهی تعدادی از باغ‌های ترکیه بالاتر خواهند رفت موقعیت تولید پسته نسبت به سال‌های قبل از ۲۰۱۸ پایدارتر خواهد شد. در مورد پایداری قیمت‌ها باید صبر کنیم و ببینیم با توجه به تولید آمریکا و ایران چه اتفاقی برای قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی می‌افتد. **مایکل هومان** - سطح زیر کشت پسته در کالیفرنیا همچنان در حال افزایش است. باغ‌هایی که قبلاً احداث شده‌اند شروع به باردهی کرده‌اند، اما در کالیفرنیا بحران آب همچنان وجود دارد و در آینده‌ای نزدیک برداشت از آب‌های زیرزمینی در کالیفرنیا محدود خواهد شد. در مورد قانون تخصیص آب به محصولات مختلف کشاورزی باید ببینیم وضعیت پسته و حمایت از تولید این صنعت چگونه خواهد شد.

امسال ایران حدود ۹۰ هزار تن، آمریکا حدود ۳۵۰ هزار تن و ترکیه حدود ۶۰ هزار تن پسته صادر خواهند کرد؛ یعنی در مجموع قرار است حدود ۵۰۰ هزار تن پسته در دنیا عرضه شود. پس فکر نمی‌کنم عرضه پسته با محدودیتی روبه‌رو باشد.

آنلاین و آفلاین تقسیم می‌شود. قیمت پسته به صورت مستقیم بستگی به این دارد که خریداران بخواهند برای تبلیغ پسته هزینه کنند یا دیگر محصولات. خرید پسته بصورت آنلاین مزایای زیادی دارد، به خصوص برای اشخاصی که فرصت رفتن به سوپرمارکت و خرید حضوری ندارند. بنابراین پیش‌بینی می‌کنیم خرید پسته به صورت اینترنتی افزایش پیدا کند.

- در ایران و ترکیه در زمان برداشت پسته چند نیروی کارگری در هر هکتار فعال هستند؟

محمت چیکماز - در ترکیه چون اکثر باغ‌ها به صورت خرده مالکی اداره می‌شوند (۲ تا ۲۰ هکتاری) در فصل

پسته همیشه بازار و

جایگاه ویژه خودش را

داشته‌است. شاید چون پسته

آجیل نسبتاً گرانی است هنوز

خیلی از مردم دنیا آن را امتحان

نکرده‌اند. تا جایی که به تولید

مربوط می‌شود فکر می‌کنم

نهایتاً آنقدر بازار برای پسته

پیدا خواهد شد که کل پسته

تولید شده به مصرف برسد.

زیادی روی میزان روغن مغز پسته، کنترل افلاتوکسین و رعایت بهداشت واحدهای فرآوری پسته کرده‌است. در مورد پسته خشک در پوست باید گفت پسته ترکیه همیشه ریز است. اما مزیت پسته ایرانی در بازارهای مختلف بین‌المللی این است که در سایزهای مختلف عرضه می‌شود. البته تقاضا همیشه بستگی به قیمت دارد.

بهروز آگاه - در مورد تفاوت‌های پسته ایران و ترکیه باید گفت که پسته ترکیه بیشتر به صورت دیم است. در ترکیه پسته‌ها از درخت به زمین می‌افتند که این باعث می‌شود رنگ مغزشان کمی تیره شود. برای پسته ایران آبیاری انجام می‌شود. ما وارپته‌های مختلف پسته داریم که هر کدام بازار خاص خودشان را دارند. مثلاً بازار هند بیشتر خواهان پسته احمدآقایی ایران است، درحالی‌که در اروپا پسته فندقی را ترجیح می‌دهند. ارقام پسته ایرانی صدها سال است که در سرتاسر دنیا مطابق با ذائقه‌های مختلف مصرف می‌شوند.

محمت چیکماز - ما در ترکیه ۳ نوع وارپته برای مغز پسته داریم. ناگفته نماند میزان روغن مغز کال کمتر است (حدود ۴۸ درصد)، اما وقتی که پسته روی درخت می‌رسد درصد روغنش بالاتر می‌رود (۵۵ درصد). در مورد پسته خشک در پوست همان‌طور که قبلاً گفتم پسته معمول ترکیه ریز است، البته در جنوب شرقی آناتولی باغ‌های محدودی داریم که پسته درشت تولید می‌کنند. اگر اشتباه نکنم این باغ‌ها از پسته‌های اکبری و احمدآقایی ایران پیوند خورده‌اند و امسال حدود ۶ تا ۸ هزار تن پسته به بار خواهند آورد.

- چه عواملی باعث رشد روزافزون مصرف پسته در چین به خصوص در سال ۲۰۱۶ شده است؟ آیا فکر می‌کنید رشد ۱۰ درصدی مصرف پسته در آینده پایدار خواهد بود؟ به خصوص با توجه به اینکه در سال‌های کم محصول قیمت پسته بالا می‌رود.

ژیائوژنگ ویکتوریا - در چین پسته از طریق ۳ کانال اصلی فروخته می‌شود؛ بازار سنتی، سوپرمارکت‌ها و شبکه تجارت الکترونیک. در ۴ سال اخیر شبکه تجارت الکترونیک ۲۰ تا ۳۰ درصد رشد داشته‌است. در حال حاضر این شرکت به ۲ بخش اصلی

نقدی بر اظهارات نماینده ترکیه در اجلاس شورای جهانی خشکبار:

تاپسته را در کیسه نگرید، رویش حساب باز نکند

حسین حکم آبادی

عضو هیأت علمی ایستگاه تحقیقات دامغان

بعد از اجلاس INC یک خبر در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌چرخید:

«امروز صبح سکوتی سهمگین در سالن حکمفرما شد ... در پنل پسته، نماینده ترکیه با جسارت تمام، رکوردی جدید برای محصول ۲۰۱۸ پسته ترکیه با حجمی بیش از ۲۵۰ هزار تن اعلام کرد و به راحتی ترکیه را پس از آمریکا، تولیدکننده دوم پسته جهان، معرفی کرد ... همه حضار سکوت ... صد‌ها نفر از خریداران بین‌المللی و کلیدی پسته ایران، دقایقی را در سکوتی سهمگین به سر بردند ... ریاست میز پسته، امسال، با آمریکا بود و مرتباً پشت میکروفن اعلام می‌کرد: آیا کسی سؤالی ندارد؟ و همه فقط نگاهی سرد به صفحه نمایش آمارها. مگر می‌شود، ترکیه به همین سادگی ادعای تولیدی ۳ برابر ایران داشته باشد؟! خریداری، سکوت را شکست و از سخنگوی پسته ترکیه پرسید: آیا می‌توانید از مزایای پسته ترکیه نسبت به ایران نام ببرید؟ و او در مقابل تمام ایرانیان حاضر، عنوان داشت که مغز پسته ترکیه در طعم و کیفیت، بسیار بهتر و همچنین از درصد روغن بالاتری برخوردار است و تمامی صنایع غذایی که از مغز پسته در فرآوری خود استفاده می‌نمایند، پسته ترکیه را ترجیح می‌دهند. من سکوت، دنیا سکوت و فقط چشمان متعجب ... و من حرفی برای گفتن نداشتم، آیا تاریخ قرار است مجدداً تکرار شود؟ ایران من، که روزی جزو بزرگترین صادرکنندگان بادام دنیا بود و سال‌هاست عرصه حضور جهانی را نه فقط واگذار، بلکه خود واردکننده بادام آمریکایی شده است، حال باید کم کم شاهد نابودی پسته با سابقه ۷۰۰ ساله باشد؟ ما کجاییم؟ من کجا هستم؟ می‌شنوم و کم کم باورم می‌شود، که در این رقابت نابرابر باید نبرد را واگذار نمایم ... ادامه دهم بیان درد را؟»

عنتپ، شانلی اورفا و آدی یامان و ... حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیمتر بارندگی سالیانه دارند. - عمده برداشت پسته با دست انجام می‌شود و هزینه هر کیلو برداشت ۲۵ سنت است. - صادرات پسته ترکیه زیاد نیست و در بهترین سال‌ها حدود ۱۰ هزار تن آن هم نه بصورت خام بلکه به‌شکل تبدیل شده است. **واقعیت‌های پسته ترکیه** **■ تولید پسته در سال ۲۰۱۷** مهم‌ترین شهرهای تولید کننده پسته در ترکیه شانلی اورفا و غازي عنتپ هستند. در شانلی اورفا حدود ۱۵ میلیون درخت وجود دارد که ۱۱ میلیون درخت بارده و ۴ میلیون غیر بارده است. در این منطقه باغاتی که آبیاری می‌شوند بیشتر هستند و به همین دلیل عملکرد پسته در این منطقه بالاتر است. در شانلی اورفا در سال گذشته حدود ۳۰ هزار تن پسته تولید شد که به ازای هر درخت حدود ۲,۷ کیلوگرم تولید گزارش شده است. با توجه به فاصله کشت ۱۰*۱۰ در هر هکتار حدود ۲۷۰ کیلو گرم پسته خشک در هکتار تولید شده است. در این نقطه بیشترین عملکرد پسته در ترکیه گزارش شده است. در غازي عنتپ ۲۰ میلیون درخت پسته وجود دارد که ۱۶ میلیون از آن بارده و ۴ میلیون غیر بارده است. اگر چه سطح زیر کشت و تعداد درختان پسته بارده در این شهر از شهر شانلی‌ورفا بیشتر بوده، ولی به لحاظ اینکه اکثر باغ‌ها دیم هستند و از طرفی خاک آن حاصلخیزی کمتری دارد، عملکرد آن بسیار کمتر از شانلی اورفا می‌باشد. در این شهر با حدود ۱۶ میلیون درخت، تولید سال گذشته حدود ۱۰ هزار تن یعنی به ازای هر درخت ۰,۶ کیلوگرم و در هر هکتار ۶۰ کیلوگرم پسته خشک بوده است. در مجموع در کل ترکیه ۵۰ میلیون درخت پسته وجود دارد که ۳۸ میلیون آن بارده و ۱۲ میلیون

در ارتباط با پسته ترکیه و تولید آن از همکاران موثر موسسه تحقیقات پسته غازي عنتپ موضوع را جویا شدم و موارد ذیل توسط آنها تایید گردید: - سطح زیر کشت پسته در ترکیه ۲۹۱ هزار هکتار است. - تنها ۱۰ هزار هکتار آبی و ۲۸۱ هزار هکتار آن دیم می‌باشد، یعنی حدود ۳,۵ درصد از سطح زیر کشت فعلاً آبی است و ۹۶,۵ درصد آن دیم. - سال گذشته حدود ۵۰ هزار تن تولید داشتند. - پیش بینی برای تولید سال جاری حدود ۲۰۰ هزار تن است. - مهمترین پایه پسته، پایه اهلی و ورا است، ولی اخیراً با توجه به دیم بودن باغات پسته از پایه‌های خینجوک که مقاومت بیشتری به خشکی دارد استفاده می‌کنند. - در مناطق عمده پسته کاری ترکیه (غازي

از طرفی به لحاظ بارندگی‌های بیش از حد معمول در بهار سال ۲۰۱۸ بیماری‌های برگ‌ی مانند آلترناریا و سپتوریا نیز در حد طفیانی در باغات گزارش شده است که قطعاً مزید علت خواهد شد و تهدیدی برای پیش‌بینی تولید سال جاری خواهد بود.

■ بازارهای پسته ایران تهدید می‌شوند؟

همان‌طور که اشاره شد بیش از ۹۶٫۵ درصد از سطح زیر کشت پسته در ترکیه، کشت دیم است که ضمن اینکه عملکرد پایینی دارد از نظر صفات کیفی نیز قابل رقابت با پسته ایران نیست. انس پسته تولیدی در اکثر مناطق پسته کاری ترکیه در حد ۳۴-۳۶ می‌باشد و درصد خندانی بسیار پایین است. از طرفی به لحاظ عدم وجود صنایع فراوری پسته تر، پسته برداشت شده با پوست سبز در آفتاب خشک شده و در زمستان در شرایط زمانی مناسب وارد کارخانه فرآوری می‌شود و فرآوری می‌گردد. بنابراین از نظر رویت با پسته ایران غیرقابل مقایسه است.

ارتباط با پیش‌بینی تولید پسته اتفاقاتی در مناطق پسته کاری ترکیه به وقوع پیوست که پیش‌بینی این میزان تولید پسته را زیر سوال برد. از قدیم الایام یک مثلی وجود داشت که عنوان می‌شد: «تا پسته را در کیسه نکردید، روش حساب باز نکنید». طبق گزارشات واصله به لحاظ بارندگی‌های فراوانی که در مناطق پسته کاری غازی عنتپ و شانلی اورفا در بهار ۲۰۱۸ به وقوع پیوست، در اواسط اردیبهشت بیش از ۸۰ درصد برگ درختان و بعضاً خوشه‌ها در اثر تولید اتیلن بالا و تهیج هورمونی شدید ریزش کرد. در این شرایط محققان ترکیه دست به دامان کارشناسان ایرانی شدند و در تماس‌های تلفنی خواستار کمک فنی شدند. به گزارش کارشناسان پسته ترکیه ریزش برگ به حدی بالا بوده که عملاً امکان پر کردن مغز بطور کلی غیرممکن خواهد بود. از طرفی به لحاظ عدم آبیاری و دیم بودن باغات، تغذیه کمکی از ریشه و خاک تقریباً غیر ممکن است.

غیر بارده است و حدود ۵۰ هزار تن محصول در سال گذشته تولید شده که بطور میانگین هر درخت ۱٫۳ کیلوگرم و در هر هکتار حدود ۱۳۰ کیلوگرم پسته در سال گذشته تولید شده است.

■ پیش‌بینی تولید در سال ۲۰۱۸

- در سال جاری با توجه به پیش‌بینی‌ها و همان‌طور که در اجلاس INC توسط نماینده ترکیه گزارش شده بود حدود ۲۵۰ هزار تن محصول پیش‌بینی شد. البته با توجه به تماس‌هایی که با موثرین صنعت پسته حاصل شد این پیش‌بینی حدود ۲۰۰ هزار تن بوده نه ۲۵۰ هزار تن.

- دلیل عملکرد مناسب پسته در سال جاری در مناطق پسته کاری، مناسب بودن شرایط اقلیمی در بهار ۲۰۱۸، کاهش خسارت پسیل در سال ۲۰۱۷، کاهش عوامل بیماری‌زای پسته بخصوص سپتوریوز برگ‌ی در اثر خشکی هوا در تابستان سال ۲۰۱۷ و ... بوده است.

■ واقعیت تولید در سال ۲۰۱۸

پس از گزارش نماینده ترکیه در INC در



تیم لاندن، مدرس رهبری اخلاق مدار تشریح کرد:

بحران آب؛ از مقصریابی تا مسئولیت محوری

دبیر خانه انجمن پسته ایران

نتیجه سیستم مقصریاب، توهّم پیشرفت و فعالیت است؛ درحالی که صرفاً ترک‌ها را می‌پوشاند. این سیستم به طور ذاتی واکنشی است، تمرکزش بر حمایت یا سرزنش افراد است و ریشه مشکلات را رها می‌کند تا باز هم به تولید مشکل در آینده ادامه دهند. از طرف دیگر سیستم مسئولیت محور از همان ابتدا از طریق ساخت فرایندهایی که وجوه اشتراک مسئولیت‌های فردی و جمعی را شناسایی می‌کند، مشکل را تشخیص می‌دهد. این حالت، شناسایی زود هنگام موضوع را ممکن می‌کند و ظرفیت پویایی بیشتری جهت حرکت‌های اصلاحی مورد نیاز در هنگام لزوم را فراهم می‌کند. در این حالت، افراد مسئول شناخته می‌شوند اما نه به شیوه خودمحو‌رانه و نه زمانی که خیلی دیر شده باشد.

رسیدن به راه حل‌های به موقع

چند راه برای آن که سیستم مسئولیت‌محور بتواند به ارتقای ارائه خدمات و افزایش کیفیت مدیریت منابع کمک کند وجود دارد، اما هنوز چالش‌هایی بر سر راه عملیاتی کردن آنها موجود است.

سیستم مسئولیت محور قوی، بیش فعال است. آنها پیشرفت فرایندها را پایش می‌کنند تا مشکلات را به محض بروز شناسایی کنند، به جای آنکه به انتظار خروجی بحرانی که سلسله‌ای از سرزنش را جرقه خواهد زد، بنشینند. شواهد کافی وجود داشت که دانشمندان خیلی پیشتر از بروز بحران به مسئولین شهرداری هشدار داده بودند که برای کمبود آب نیازمند برنامه هستیم و حتی این نگرانی در میان خود مسئولین دولتی نیز وجود داشت. با این وجود هیچ اقدامی انجام نشد. دو چالش اولیه در اینجا وجود دارد. اول، سیاست‌مداران در بازه‌های زمانی ۵ ساله انتخاب می‌شوند، بخشی به دلیل حفظ دموکراسی و پرهیز از تصدی‌گری طولانی؛ اما این بدین معناست که وقتی به برنامه‌ریزی برسند، قطعاً خطر کوتاهی‌بینی وجود دارد، مخصوصاً وقتی هنوز بحران بر سرشان نازل نشده است.

این که بگوییم چه کسی در بحران آب مقصر است، کمکی به حل مسئله نمی‌کند. زمان آن فرا رسیده که مشخص کنیم کیپ تاون چگونه به اینجا رسیده است و چگونه مردم و مسئولین دولتی می‌توانند فعالانه‌تر برخورد کنند.

به‌طور گسترده‌تری برای ارائه خدمات شهری همگانی مفید باشد.

کلیدی‌ترین اصل در این میان، ساخت سیستم کاملاً عملیاتی مسئولیت‌محور است که در بلند مدت از رویکرد رهبری مقصریاب موثرتر است.

به سوی مسئولیت‌محوری

تحقیقات بر روی سیستم‌های مسئولیت محور نشان می‌دهد که در زمان بحران‌ها، وسوسه‌انگیز است که در دام روندهای مقصریابی بیفتیم. هرچند که این لزوماً مفیدترین رویکرد نیست، گزینه به ما می‌گوید که بپرسیم چه کسی مقصر است و غالباً مقصرترین کیست. قطعاً بعضی اوقات، افراد یا چیزهایی مسبب مشکلات ما هستند؛ اما مفیدتر است که با سیستم‌های مسئولیت محور کار کنیم. جایی که مغزمان را برای درک کامل موقعیت و راه‌حل‌های در دسترس به کار می‌گیریم، بپرسیم چگونه به نقطه بحرانی رسیدیم؟ چه کاری را می‌توانیم به صورت متفاوت انجام دهیم؟ با چه چالش‌هایی رو به رو هستیم؟ ردپای خود را دنبال کنیم و ببینیم دخالت در کجا ممکن است به حل مسئله کمک کند.

خطر آنجاست که مقصریابی یا قربانی‌پنداری به اشتباه جای سیستم مسئولیت‌محوری واقعی را بگیرد. فرایند مقصریابی عموماً به صورت ساده سازی بیش از حد (تمرکز بر تعداد محدودی از موضوعات یا افراد) به شناسایی عواقب مشکلات به جای شناسایی به ریشه واقعی عوامل گرایش دارد.

تیم لاندن، فارغ التحصیل از دانشگاه لیورپول انگلستان، مدرس و عضو مرکز «الن گری» برای رهبری اخلاق‌مدار در مدرسه عالی تجارت آفریقای جنوبی است. پیش از آن در سمت‌های آموزشی و مدیریتی در کمبریج مشغول به کار بوده و پیش از آن که به آفریقای جنوبی برود در مناطق مختلفی از جمله آمریکا، ایرلند شمالی، انگلستان، مصر و اسپانیا در حوزه‌های آموزش و تحقیق مشغول به کار بوده است.



حوزه تحقیقات وی بسیار وسیع و در مکاتب فکری گوناگون است. به طور کلی حوزه تمرکز تیم لاندن در فهم بهتر و ارتقا رهبری در سازمان‌های خصوصی و دولتی است. مطالب علمی اخیر وی در حوزه همکاری، بحران، سیستم‌های پاسخ‌گویی و آموزش اخلاق بوده است.

این که بگوییم چه کسی در بحران آب مقصر است، کمکی به حل مسئله نمی‌کند. زمان آن فرا رسیده که مشخص کنیم کیپ تاون چگونه به اینجا رسیده است و چگونه مردم و مسئولین دولتی می‌توانند فعالانه‌تر برخورد کنند.

کیپ تاون به مدت سه سال از خشکسالی خزانده‌ای که شهر را با لوله آب خالی رو به‌رو کرد، عذاب کشیده است. مسئولین شهرداری کیپ تاون و مسئولین کشوری آفریقای جنوبی به خاطر نحوه عملکردشان در قبال کمبود آب زیر فشار انتقادات سنگین هستند. از جمله این مسئولین، شهردار است که رأی عدم اعتماد علیه او صادر شده بود و از کلیه مسئولیت‌های مرتبط با آب نیز کنار گذاشته شده است. اوایل ۲۰۱۸ بحران ملی به طور رسمی در کیپ تاون اعلام شد.

درحالی که یافتن کسی که برای بحران سرزنش کنیم وسوسه‌انگیز و حتی رضایت بخش است، درس‌هایی برای یادگیری از چنین موقعیت‌هایی وجود دارد که می‌تواند

درحالی که ترک کامل منفعت شخصی غیر ممکن است، راه مثبت و مفید آن است که بر هدف مشترکی میان همه ذی نفعان تمرکز شود.

دوم، چالش مربوط به منابع مالی است. مسئولین دولتی و سیاستمداران تمایل دارند به منظور رسیدن به نتیجه قابل قبول، وقتی وضعیت بحرانی شد، هزینه کنند. به عبارت دیگر، وقتی با یک مشکل آشکار درگیریم قانع کردن مردم بر سر پرداخت هزینه‌ها آسان‌تر است تا زمانی که بخواهیم مردم را قانع کنیم که باید منابع مالی برای مسئله‌ای استفاده شود که پیشگیرانه است. به علاوه، مسائل بحرانی زمینه بازکردن قفل بودجه‌هایی را دارند که در شرایط دیگر در دسترس نبود. ترکیب این عوامل بدین معناست که ما ناخواسته انگیزه خلق بحران را داریم.

به منظور کاهش تعدد بحران‌ها، سیاستیون و شهروندان باید بر فهم عوامل ریشه‌ای موضوعات تمرکز کنند تا منجر به پرداخت‌های فعالانه‌تر و پیشگیرانه شود.

همکاری ضروری است

در نطق افتتاحیه ریاست جمهوری سریل رامافوسا خطاب به اهالی کیپ تاون اعلام کرد: بیایید تا با یکدیگر بپا خیزیم و بر خشکسالی غلبه کنیم. او می‌توانست مشابه چنین نصیحتی را به رهبران ملی و محلی کشور بکند. بحران‌هایی مثل خشکسالی ظرفیت متحد کردن مردم را دارند، ولی در عین حال ظرفیت تحریک تفکر فردگرایانه در پی تنازع بقا را نیز در درون خود می‌پروراند. خشکسالی نزاع فلج کننده‌ای را در میان سیاستمداران کیپ تاون و شکاف ویرانگری در حکمرانی محلی و شواری شهر به وجود آورده‌است. در همین احوال پاتریشیا دلی (شهردار کیپ تاون) با فرایند انضباطی چندگانه‌ای نیز رو به رو بوده‌است.

میان استاندار هلن زیلا و وزیر آب و بهداشت ناویلا ماکیان، تنش آشکار وجود داشت. زیلا با جریمه ۳.۵ میلیون رندی بابت هزینه‌های زیرساخت‌های آبی ضربه‌اش را

به ماکیان وارد کرد.

رهبری جناحی نمایانگر بسیار خوبی از سیستم مقصریاب منفعت‌بین است. این رفتار قابل درک است، هرچند در موقعیتی که هرکس چیزی برای از دست دادن دارد، به طور آشکار ارتقا موقعیت مفید نیست. درحالی که ترک کامل منفعت شخصی غیر ممکن است، راه مثبت و مفید آن است که بر هدف مشترکی میان همه ذی نفعان تمرکز شود. تمرکز بحث و فعالیت روی هدف مشترک، تمرکز بر افراد را کاهش می‌دهد و تلاش برای حل مسئله را شکل می‌دهد. در این حالت هرکس می‌تواند هدف مشترک را دنبال کند در عین این که بر حفظ جایگاه، حقوق یا منابع مالی‌اش تأکید می‌کند.

درخواست از افراد برای آنکه منفعت شخصی‌شان را کاملاً نادیده بگیرند، غیر واقعی است؛ اما حداقل با در اولویت قرار دادن هدف مشترک، می‌توان اکثریت تمرکز را بر نیازهای مشترک بین همه ذی‌نفعان حفظ کرد. در این راستا فرهنگ مشترک مسئولیت‌محور شکل می‌گیرد که در آن هر فرد می‌کوشد با هدایت توجه به سمت مشکل، آن را حل کند. به جای آنکه از

درخواست از افراد برای آنکه منفعت شخصی‌شان را کاملاً نادیده بگیرند، غیر واقعی است؛ اما حداقل با در اولویت قرار دادن هدف مشترک، می‌توان اکثریت تمرکز را بر نیازهای مشترک بین همه ذی نفعان حفظ کرد.

طریق بازی مقصریابی توجه را از علل اصلی مشکل دور کند.

قدرت گوش دادن

مهارت کلیدی مورد نیاز برای همکاری و مسئولیت‌محوری، درگیر شدن با دیدگاه‌های متعدد و مطلع است. انتقادات کلیدی در مورد بحران آب از سوی دانشمندان و دانشگاهیان مطرح شده است که در بحث‌ها و متن‌های مختلف نظر و تحلیل خود را ارائه کنند.

هرکس می‌تواند هدف مشترک را دنبال کند در عین این که بر حفظ جایگاه، حقوق یا منابع مالی‌اش تأکید می‌کند.

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، بعضی از آنها خاطر نشان کردند که سال‌ها قبل در مورد بحران آب هشدار داده بودند.

سهام آنها حیاتی است، اما به نظر می‌رسد عمدتاً مورد توجه قرار نگرفته است. به عبارت دقیق‌تر، فقدان مشارکت اغلب به نقص در بیش از یک طرف اشاره می‌کند. در شکست ارتباطی میان مسئولین دولتی و دانشگاهیان دو مسئله کلیدی وجود دارد که باید به خاطر سپرد. اول، فاصله زمانی میان ارتباطات باید کوتاه باشد: زمان بندی متداول بین ارائه یک مقاله علمی و چاپ آن در یک نشریه پژوهشی می‌تواند بین یک تا دو سال طول بکشد، یعنی زمانی که در این میان اهمیت اطلاعات مذکور برای به سیاستمداران تصمیم‌گیر کم می‌شود.

دوم، اصطلاحات تخصصی دانشگاهیان به ندرت برای کسانی که در آن حوزه تخصصی، محقق فعال نیستند در دسترس است. برای ارتباط موثر بین دانشگاهیان و سیاستمداران و گرفتن تصمیمات موثر، مربوط و به‌موقع ارتباط باید مستقیم‌تر و به موقع‌تر باشد. حتی اگر این ارتباط از طریق یک مجله علمی نباشد، تفاوت کلیدی بین سیستم‌های مسئولیت محور و مقصریاب، رهبری متفاله مقصریابی است. تنها تمرکز بر خروجی از پیچیدگی موضوعات می‌کاهد تا تقصیر را به تعداد محدودی از افراد اختصاص دهد. از سوی دیگر، سیستم مسئولیت‌محور سازنده است، تمرکزش بر فرایندهای بنیادین و چرخه بازخورد است و از این طریق ذی‌نفعان را به سوی نیازهای مشترک جلب می‌کند. ساز و کار ساده مقصر قلمداد کردن دیگران به کرات در کشور دیده می‌شود. شاید خطرات بحران آب رهبران را تشویق کند تا سیستم‌های مسئولیت محور قوی‌تری در پیش بگیرند.

نقدی بر طرح استفاده از آب‌های ژرف:

معالجه دراز گوش

حسین زراعتکار

کارشناس آب زیرزمینی کرمان



مصرف آب در سطح کشور بین ۷۰ الی ۸۰ میلیارد متر مکعب در طول هر سال است. حال در کجای کشور و با چه شواهدی می‌توان منابع آب ژرفی پیدا کرد که در مقابل مقدار مذکور قابل جایگزینی باشند؟ این سؤالی است که باید از طراحان این ایده پرسید. موضوع مهم‌تر اینکه واقعاً کدام تجربه جهانی در این زمینه وجود دارد که بتوان به اتکای آن به سمت چنین راه حل‌هایی رفت. اصرار بعضی از هواداران راه‌اندازی طرح استفاده از آب‌های ژرف، انسان را به یاد مرحوم میرزا آقاسی می‌اندازد که می‌گفت اگر این‌کار برای مملکت آبی نمی‌شود، اما برای بعضی نان

ندارد و از چرخه آب خارج هستند. در اینجا این سوال مطرح است، آیا چنین منابعی می‌توانند به عنوان یک راه حل مطرح باشند؟ شواهد و تجارب موجود در دنیا نشان می‌دهد که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان به چنین منابعی تکیه کرد. فرض کنید با انجام هزینه‌های خیلی زیاد در بعضی از نقاط کشور آثاری از این منابع پیدا شود؛ چنین آب‌هایی بدلیل اینکه در لایه‌های عمیق محبوس هستند و هیچ ارتباطی به چرخه آب ندارند، پس از مدتی ذخایر آنها به اتمام رسیده و تمام سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به هدر خواهد رفت. در صورت وقوع چنین موضوعی، نه تنها مشکلی حل نخواهد شد، بلکه خودشان مشکلات جدیدی ایجاد خواهند کرد. اگر هم فرض شود که این مخازن در نقاطی دیگر از آب‌های تجدیدپذیر تغذیه می‌شوند و پایدار هستند، در این صورت تنها صورت مسئله را عوض کرده‌ایم و منابع آبی که هم اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرند را به شکل بسیار پرهزینه‌تری از اعماق زمین برداشت خواهیم کرد. واقعیت این است که میزان آب تولید شده از این طریق در خوشبینانه‌ترین حالت در مقابل آب مصرفی کشور آن چنان ناچیز است که هیچ گرهی را نخواهد گشود. در نظر داشته‌باشید که مطابق بعضی از آمارهای موجود، میزان

در طول چند سال اخیر، طرح موضوعاتی از جمله استفاده از آب‌های ژرف و بهره‌برداری از منابع «کارست» (پدیده‌ای در پوسته زمین است که آثار آن به اشکال مختلف از قبیل حفره و غار، در سطح و زیر سطح دیده می‌شود؛ علت ایجاد کارست به شکستگی‌ها و قابلیت انحلال توده سنگ مربوط می‌شود که در نتیجه آن یک سیستم آب زیرزمینی می‌تواند شکل بگیرد.) و مواردی از این قبیل از سوی بعضی از مدیران و کارشناسان منابع آب کشور در مجامع مختلف بطور مرتب تکرار می‌شود. تصور ایشان بر این است که چنین طرح‌هایی می‌توانند به عنوان بخشی از راه حل‌های پیش رو در جهت مقابله با بحران آب مطرح گردند؛ اما

مهم‌ترین مشکل ما در حال حاضر به چگونگی مصرف منابع آب بر می‌گردد و ارتباط چندان‌ی به تولید آب ندارد.

واقعیت این است که طرح این مباحث بیش از آنکه راهگشا باشد، فراموش نمودن اصل مسئله و رفتن به مسیر بیراهه است و به جای آنکه کمکی به حل بحران بکند، سرانجام خودشان بخشی از مشکل خواهند شد.

به عنوان مثال، یکی از این موارد که زیاد شنیده می‌شود استفاده از آب‌های ژرف است. اگر چه حضرات محترم تعریف دقیقی از آب ژرف مد نظر خود را ارائه نداده‌اند، ولی به‌طور کلی می‌توان گفت: منظور از آب ژرف، آب‌هایی هستند که در لایه‌های عمیق محبوس گردیده و هیچ ارتباطی هم به سفره‌های آب زیرزمینی که از طریق بارندگی و به اصطلاح آب‌های تجدیدپذیر ایجاد می‌گردند، ندارند. استفاده از این آب‌ها تأثیری بر منابع آبی در دسترس ما

آب ژرف، آب‌هایی هستند که در لایه‌های عمیق محبوس گردیده و هیچ ارتباطی هم به سفره‌های آب زیرزمینی که از طریق بارندگی و به اصطلاح آب‌های تجدیدپذیر ایجاد می‌گردند، ندارند.

خوبی خواهد داشت!

موضوع دیگر، استفاده از آب‌های کارست است. با وجود سابقه بیش از نیم قرن مطالعات منابع آب کشور، ناگهان گروهی شوق‌القدر کرده و اظهار می‌دارند که می‌توان منابع آب جدیدی در کارست‌ها پیدا کرد و حتی متولی برای مطالعات آن نیز انتخاب کرده‌اند. حال آنکه تفکیک منابع آب زیرزمینی به بخش‌های جداگانه که ارتباطی به هم نداشته باشند، از جمله منابع کارستیک و آبرفت‌ها، امری کاملاً غیرعلمی و غیرمنطقی است و مطمئناً به هر میزان که از آب کارست‌ها برداریم به همان میزان از ظرفیت آبرفت‌ها کم کرده‌ایم.

ما در طول چند دهه گذشته تا آنجا که توانسته‌ایم آبرفت‌ها را به نابودی کشانده‌ایم؛ کم مانده است که این مقدار تغذیه‌ای که این سفره‌ها از ناحیه کارست‌ها می‌شوند را نیز از سرچشمه قطع کنیم و به اصطلاح تیر خلاص را بزنیم. به نظر می‌رسد بعضی از عزیزان راه را کاملاً عوضی گرفته و به کژراهه می‌روند. بحران آب در کشور ما با این روش‌ها حل نمی‌شود، زیرا مهم‌ترین مشکل ما در حال حاضر به چگونگی مصرف منابع آب بر می‌گردد و ارتباط چندان‌ی به تولید آب ندارد. آمارها نشان می‌دهد که در کشور کم‌آبی چون ایران بیش از ۲,۵ برابر متوسط جهانی برای برداشت محصولات کشاورزی آب مصرف می‌گردد و یا در بسیاری از نقاط ایران میزان مصرف آب شرب حتی از بعضی کشورهای اروپایی هم بیشتر است.

کجای کار عیب دارد؟ آیا در نحوه حکمرانی بر منابع آب اشکالی وجود

آمارها نشان می‌دهد

که در کشور کم‌آبی چون ایران بیش از ۲,۵ برابر متوسط جهانی برای برداشت محصولات کشاورزی آب مصرف می‌گردد.

اصرار بعضی از هواداران راه‌اندازی طرح استفاده از آب‌های ژرف، انسان را به یاد مرحوم میرزا آقاسی می‌اندازد که می‌گفت اگر این کار برای مملکت آبی نمی‌شود، اما برای بعضی نان خوبی خواهد داشت!

ندارد؟ آیا عدم مشارکت مصرف‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها بر دامنه این بحران نیفزوده است؟ آیا اینکه دولت حداقل ۱۰ برابر آنچه که از مصرف‌کنندگان آب شرب می‌گیرد هزینه می‌کند و آب را تقریباً مجانی در اختیار ایشان قرار می‌دهد امری معقول است؟ آیا اینکه تمام شرایط را فراهم آورده‌ایم تا هزینه استخراج و بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی برای مصارف کشاورزی در مقایسه با دیگر هزینه‌های این بخش خیلی ناچیز باشد کمکی به حل بحران می‌نماید؟ آیا دادن یارانه به سوخت و برق در بخش کشاورزی و آن هم با این ابعاد وسیع زمینه به هدر دادن منابع آب را فراهم نیاورده‌است؟ آیا ایجاد محدودیت‌های گوناگون برای مالکان منابع آب در جهت تشکیل بازارهای واقعی آب زمینه بی‌ارزش شدن آب را فراهم نکرده‌است؟ آیا اساساً کنترل و نظارت بر میزان برداشت آب بدون مشارکت مصرف‌کنندگان و صرفاً از طریق دولت امکان‌پذیر است؟

در نظر بگیرید اگر ما با ایجاد راهکارهای منطقی بتوانیم حتی ۱۰ درصد در مصرف منابع آب صرفه‌جویی کنیم در هر سال بین ۷ تا ۸ میلیارد مترمکعب از منابع ارزشمند آب کمتر استفاده کرده‌ایم. حال در بهترین شرایط به چه میزان امکان برداشت از آب‌های ژرف وجود دارد؟ تازه اگر آبی باشد!

در واقع، ما از یک طرف همه شرایط را فراهم کرده‌ایم تا آب به بی‌ارزش‌ترین شکل ممکن در اختیار مصرف‌کننده قرارگیرد

و از طرف دیگر داد و فریاد بر می‌آوریم که آب نیست و می‌خواهیم با توصیه‌های اخلاقی مردم را به صرفه‌جویی وادار کنیم. با اینکار در واقع خود را فریب می‌دهیم، زیرا صرفه‌جویی تنها و تنها زمانی مفهوم پیدا می‌کند که هزینه یک کالا و خدمات در سبب زندگی مردم نقش داشته‌باشد؛ وگرنه اگر طلا را هم گونی گونی در معرض خرید ایشان قرار دهی، ارزش آنرا با پیاز برابر کرده‌ای!

آنچه که خیلی اساسی است، تغییر نگاه بعضی از دست‌اندرکاران و متولیان آب است و آن اینکه به جای تلاش برای یافتن منابع جدید به سمت اصلاح الگوی مصرف در بخش‌های مختلف بروند.

اما در پایان، ذکر یک قصه قدیمی خالی از لطف نیست. «گویند فردی درازگوشی داشت که هم او را دوست می‌داشت و هم از او کار بسیار می‌کشید. از قضا، روزی پای درازگوش در حالی که صاحبش بار سنگینی بر پشت او گذاشته بود در چاله‌ای افتاد و شکست. صاحب درازگوش که در حالچه پای حیوان درمانده شده بود به طور مرتب سر درازگوش را با انواع روغن‌ها چرب می‌کرد، به امید آنکه پایش بهبود یابد. غافل از آنکه با مالیدن روغن به سر حیوان پای حیوان بهبود نخواهد یافت. آیا رفتارهای بعضی از ما در حل بحران آب کشور، مشابه رفتارهای صاحب درازگوش نیست؟!

ما از یک طرف همه شرایط

را فراهم کرده‌ایم تا آب به

بی‌ارزش‌ترین شکل ممکن در

اختیار مصرف‌کننده قرارگیرد و از

طرف دیگر داد و فریاد بر می‌آوریم

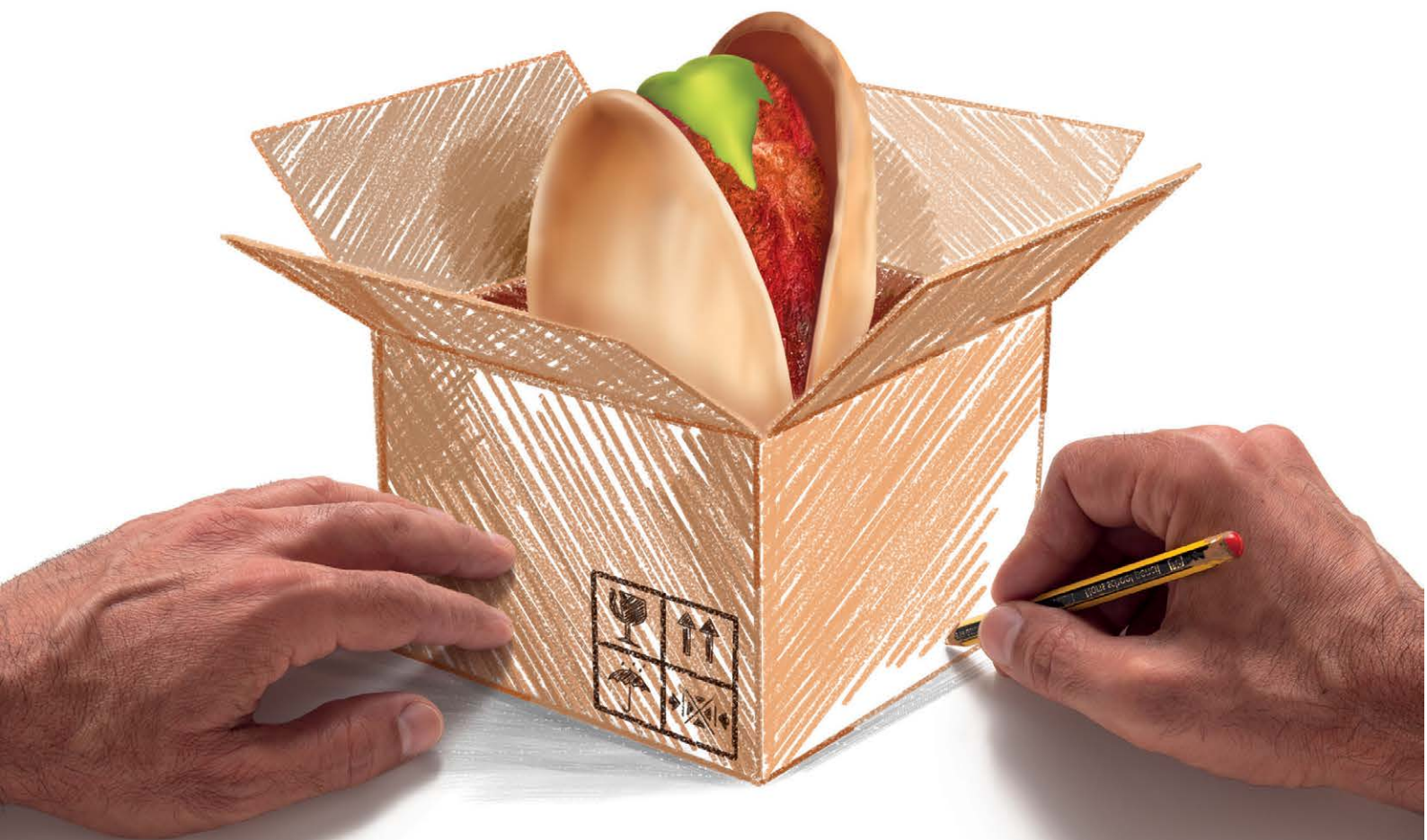
که آب نیست و می‌خواهیم با

توصیه‌های اخلاقی مردم را به

صرفه‌جویی وادار کنیم.

کارگاه گرافیک حجازی

طراحی گرافیک، مجری پروژه های چاپی و کارتن
با سالها تجربه و سابقه همکاری با معتبرترین صادرکنندگان
عضو رسمی انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران



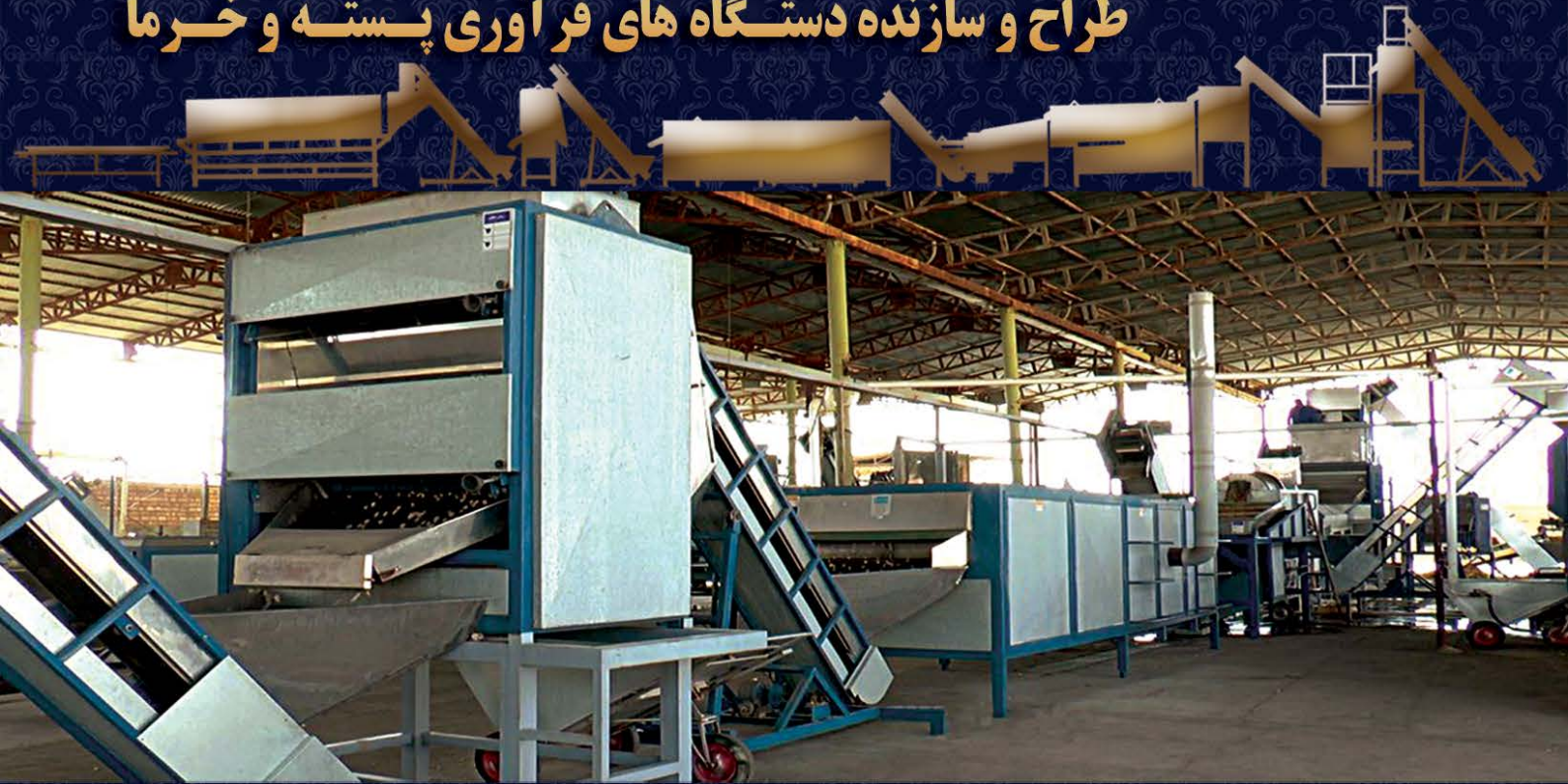
شرکت پیام ستاره سهیل
۰۹۱۲ ۱۱۵ ۷۱۸۴ - (۰۲۱) ۲۲۷۳ ۶۱۱۹

www.shgfix.com



شرکت کاراکرمان

طراح و سازنده دستگاه های فرآوری پسته و خرما



Kara Company

First Iranian Manufacturer & Designer
of Pistachio & Date Processing Machinery

دارای بزرگترین شبکه خدمات پس از فروش

خطوط کامل فرآوری پسته با ظرفیت ۳ تا ۱۰ تن در ساعت

انواع خندان جداکن و خشک کن های پیوسته و خط جدید خندان کن پسته

☎ ۰۹۱۳ ۱۴۳ ۰۹۹۷ 📠 ۰۹۱۳ ۱۴۱ ۸۹۵۴ 📞 ۰۳۴ ۳۳۲۱ ۴۰۰۰

www.karaco.ir

sales@karaco.ir

آدرس: کرمان ، جاده جوبار شهرک صنعتی شماره یک کد پستی: ۷۶۳۵۱۹۴۸ صندوق پستی: ۷۶۱۳۵-۱۱۱



Momtazan Industrial Co.

شرکت صنایع ممتازان

شرکت صنایع ممتازان کرمان

اولین ابداع کننده سیستم فرآوری محصول پسته به روش تمام اتوماتیک و کاملاً بهداشتی با بیش از ۳۰ سال سابقه و تجربه، ترمینال های فرآوری زیر را عرضه می نماید.

- ترمینال های پوست گیری، پاک سازی، و جداسازی
- ترمینال های خشک کن پیوسته پسته
- ترمینال های برشته کن پسته
- ترمینال های خندان کن پسته (MO)
- ترمینال های مغز کن پسته
- دستگاه تولید باد، مقابله با سرمازدگی



- Pistachio Processing HL 6000 RW
- Continous Moving Drier CMD 8000 Model
- Storag AND Sorting

- A ترمینال فرآوری پسته مدل: HL 6000 RW
- B ترمینال خشک کن پیوسته مدل: CMD 8000
- C ترمینال ذخیره سازی و جداسازی: HL 6000 RW

Email: info@momtazan.com

Email: Tehran_office@momtazan.com

تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۱ ۱۸۷۰-۷۸ : ۰۲۱-۸۸۶۱ ۱۸۶۹ فکس:
تلفن: ۰۳۴-۳۲ ۷۵ ۲۵ ۰۰-۶ : ۰۳۴-۳۲ ۷۵ ۲۵ ۰۷ فکس:

دفتر تهران: بزرگراه همت، خیابان شیراز جنوبی، نبش خیابان علیخانی، پلاک ۱۲
دفتر مرکزی و کارخانه: کرمان، کیلومتر ۵ جاده زنگی آباد

Tehran Office: No.12, Corner of Alikhani St, Southern of Shiraz Ave, Hemmat Highway, Tehran- IRAN Tel: (+9821) 88 61 18 70 - 78 Fax: (+9821) 88 61 18 69

Central Office & Factory: 5th Km of Zangiabad Road, Kerman-IRAN

Tel: (+9834) 32 75 25 00-6 Fax: (+9834) 32 75 25 07

KHANDAN



صرافی خندان

با مجوز رسمی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت : ۴۵۶۳۵

دریافت انواع حواله های بین المللی

همگام و همراه با صادرکنندگان خشکبار در بازارهای جهانی

۰۹۱۲۱۰۸۷۱۷۵

۰۷۱۳-۳۶۰۷۷۰۰-۲

۰۷۱۳-۳۶۰۷۷۰۰-۲

اولین ارائه دهنده خدمات پسته و مغز پاک

۹۸٪ قبولی*

بدون افلاتوکسین

با تضمین قبولی تست مکرر افلاتوکسین براساس
استاندارد اروپا با حداقل ضایعات ممکن



شرکت نگین سیاره سبز



دارای گواهی‌های ISO 9001 , HACCP , FSSC 22000

☎ ۰۳۴-۳۲۶۱۳۰۶۸  www.nssco.ir

* آمار بالای ۹۸٪ قبولی بار در سختگیرترین مبادی ورودی اروپا در ۷ سال گذشته